

جنبش اتحادیه‌ای امریکا از خود بیگانه و سردرگم

به مناسبت روز کارگر ۱۳۹۳

کانون مدافعان حقوق کارگر: در چند سال گذشته سعی کرده ایم تا با بررسی جنبش‌های کارگری جهانی و انتقال آن به جنبش کارگری ایران، و به موازات درس‌گیری از این مبارزات نشان دهیم که هر چند شاید این مبارزات در جای دیگری از این جهان اتفاق افتاده باشد ولی می‌توان تشابهات زیادی میان وضعیت آنان و جنبش کارگری ایران مشاهده کرد. ریشه‌ی این تشابهات در اساس مبارزه‌ی طبقاتی نهفته است که در سراسر جهان علیه سرمایه‌داری در جریان است.

زمانی که به مبارزات مردم فلسطین اشاره می‌شود، می‌توان شرایط سخت زندگی مردم جنوب ایران را زیر یوغ شرکت‌های خصوصی دید، مبارزات زحمتکشان نپال را در شمال و همچنین نقش نهادهای مدنی مورد حمایت نهادهای بین‌المللی در مقابله با نهادهای واقعی مردمی، مبارزات مردم عراق را در کردستان و مبارزات مردم فیلیپین را در چند دستگی کل مبارزه‌ی جنبش کارگری ایران و سوییضی ضد امپریالیست بودن این مبارزات در ایران دید و مبارزات مکزیکی را شاید در آینده تجربه کرد.

پرداختن به جنبش کارگری در امریکا به دلایل زیادی بسیار ضروری بود. اما شاید باید صبر می‌شد تا گرد و غبار نیروهای امنیتی به اصطلاح ضد امریکایی! ^۱ بعد از اعتراضات ۸۸ کمی فرو می‌نشست و در کنار آن در عمل به کسانی جواب داد که برای مرعوب کردن همدیگر از هیچ روشی فروگذار نمی‌کنند. ^۲

اکنون در شرایطی که مذاکرات با غرب در جریان است و تماس‌های تلفنی روسای جمهور ایران و امریکا دیگر، قبح ظاهری تماس با امریکا را ریخته و تلاش برای برقراری ارتباط با امریکا و عادی کردن روابط به نقطه‌ی قوت دولتمردان بدل شده است، این نوشته اهمیت خودش را نشان می‌دهد. زیرا که در حال حاضر سیاست کیک و کلید، دیگر نه به طور پنهانی بلکه به صورت آشکار اجرا می‌شود. ^۳ شاید این مطلب باید توسط فعالان سابق کنفدراسیون دانشجویی در امریکا نوشته می‌شد، کسانی که در سال ۱۹۷۷ در مقابل سخنرانی شاه سابق در واشنگتن بزرگترین اعتراض اجتماعی ایرانیان خارج از کشور را ترتیب داده بودند. آن‌ها با فعالیت‌های خود توانستند در خارج از ایران دولت امریکا را عقب بنشانند و هم راستا با مبارزات مردم ایران حرکت کنند، کسانی که شاید بخشی از آنها در دهه شصت، درست در بزنگاه "ایران کنترال" جان خود را از دست دادند و عده‌ای هم شاید در این نظام حل شده و در ساخت نهادهای امنیتی فعال بودند و کم نبودند که به رنگ‌های سبز و بنفش تغییر کرده و دیگر از دوران جوانی خود دور شدند و بدتر از همه نقش فعالان سابقاً چپی است که حتی فراتر از آن رفتند و از اوپاما خواستند که لیبی ^۴ را بمباران کند و در چند ماه گذشته باز هم فراتر رفته‌اند و برای نشان دادن مشکلات دولت روحانی ^۵ به دولت امریکا مشاوره می‌دهند.

طنز تاریخ آنجا است که امروز فعالیت مرتجع‌ترین ضد امریکایی‌های سابق به همراه شرکت‌های نفتی برای حفظ نظم موجود در ایران تنظیم شده است. ^۶

ما در این نوشته نخواستیم به تئوری توطئه و غرب‌ستیزی دامن بزنیم، چرا که غرب‌ستیزی دروغین در دست بی‌عملان و افشاکنندگان توطئه کسانی هستند که در دهه گذشته تلاش کرده اند تا نیروهای انقلابی را از صحنه بیرون کنند، اینها کسانی هستند که امروز در راهروهای نهادهای بین‌المللی، مانند در قدرت را گدایی می‌کنند و بسیاری از آن‌ها که خود اقامت کشورهای غربی را دارند و برای دزدیدن مال ملت و انتقال آن به بانک‌های غرب از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند و از این طریق هم به کاهش بحران‌های مالی بزرگترین دولت‌های سرمایه داری کمک می‌کنند. ما به همبستگی طبقاتی معتقدیم و می‌دانیم که طبقه‌ی کارگر جهانی تنها در همکاری مشترک می‌تواند

خود را برهاند. ولی می‌دانیم که جامعه‌ی آمریکا در فرهنگ مصرفی گرفتار شده و درد بی‌خوابی‌های مشکل‌ساز فعالیت جمعی شده و نقش نهادها و رسانه‌های سرمایه‌داری در به سکوت کشاندن بخش عظیمی از مردم آمریکا تأثیرگذار است. شش تریلیون دلار (برابر با سطح بودجه چند کشور)^۷ خرج تبلیغات انتخاباتی آمریکا شد، تبلیغاتی که همانند فیلم‌های هالیوودی رامبوی قهرمان خود را می‌سازند. به چالش کشیدن این نظم برای بخش آگاه جنبش کارگری آمریکا کاری بس عظیم و دشوار است.

برخلاف کسانی که با بی‌عملی خودشان این تئوری را تبلیغ می‌کنند که همه‌ی جنبش کارگری کنونی آمریکا و نهادهای سرمایه‌داری آن جامعه می‌توانند جنبش کارگری دیگر کشورها را فاسد کنند، می‌توان ادعا کرد که بخش مستقل و واقعی جنبش کارگری آمریکا با جنبش کارگری کشورهای جهان در افریقا، آسیا و آمریکای لاتین می‌تواند هم راستا باشد.^۸ آنان که با اصول خودشان نه تنها مبارزه می‌کنند، حتی می‌توانند کمکی باشند برای مبارزات جنبش کارگری جهانی، همان گونه که اعتراضات کارگری سایر نقاط دنیا مانند چین کمکی است برای جنبش کارگری مستقل آمریکا.

جنبش کارگری آمریکا یک راه حل در مقابل خود دارد و آن هم رجوع به جنبش عدالت‌خواهی و برابری‌طلبی است و گرنه همانطوری که دیده می‌شود هر روز نیروی بیشتری را از دست می‌دهد و وضعیت وخیم اقتصادی به جایی رسیده که قطع نیم ساعت برق در یک منطقه آمریکا، منجر به تاراج مغازه‌ها می‌شود.^۹ صدها میلیون اسلحه^{۱۰} که در دست مردم آن جامعه است روزی علیه یکدیگر و دولت نشانه می‌رود؛ شاید دولت با تکنولوژی و تجهیزات نظامی بسیار پیشرفته بتواند با آن مقابله کند، اما مسلم است کشتار مردم توسط خودشان بربریتی است که در کمین مردم نشسته است.

روایای آمریکایی به سر آمده و کارگر ارزان کشورهای پیرامونی دیگر مشکل اقتصادی و سیاسی آمریکا را حل نمی‌کند و جنبش کارگران چین در آینده نه چندان دور نقش خود را نشان خواهند داد و نخواهد گذاشت که کمپانی‌های آمریکایی به استثمار و نابودی آن کشور ادامه دهند و کشور چین را به زباله‌دان سرمایه‌داری جهانی تبدیل کنند. شیخ عدالت‌خواهی خواب از سر سرمایه و کارکنان وال استریت می‌پراند و جنبش کارگری ایران هم در این کشاکش برای متشکل شدن مبارزه خواهد کرد.

یک صد و سی‌امین سالگرد اول ماه می در پیش است. بازنگری و پیامد مبارزات کارگران شیکاگو که در سال ۱۸۸۴ برای هشت ساعت کار جان خود را از دست دادند که در آن روزگار نوید زندگی بهتری را برای بسیاری به ارمغان می‌آورد، شبیه به یک درد بزرگ خود را نشان می‌دهد. متأسفانه در بسیاری از ایالات‌های کشور آمریکا قوانین ۶۰ ساعت کار رایج است^{۱۱} و عقب نشینی بسیاری را در جنبش کارگری آمریکا، شاهد هستیم.

در دهمین سالگرد راهپیمایی اول ماه می فعالین کارگری شهر سقر و پنجمین سالگرد دستگیرشدگان اول ماه می پارک لاله مناسب دیدیم به جنبش کارگری آمریکا بپردازیم.

جنبش اتحادیه‌ای آمریکا از خود بیگانه و سردرگم

در تاریخ هفده اکتبر ۲۰۱۳، در دقیقه نود، دولت آمریکا افزایش بودجه سقف بدهی دولت را به ۱۶,۷ تریلیون دلار تصویب کرد. بودجه‌ای که واقعیت اقتصاد متزلزل آمریکا را نمایان می‌کند.^{۱۲} در سال گذشته هفت شهر آمریکا اعلام ورشکستگی کردند.^{۱۳}

شهر دیترویت آمریکا به دلیل بدهی بی‌سابقه ۱۸,۵ میلیارد دلاری در آستانه ورشکستگی کامل قرار گرفت، به گونه‌ای که حتی چراغ‌های معابر آن نیز خاموش شدند.^{۱۴} این شهر دیگر حتی قادر نیست بدهی خود را بپردازد و فعالیتش را به شانگهای منتقل کرده است. لوژنگ در مقاله "از دیترویت تا شانگهای" نوشته است که امروز یک میلیون و هفتصد هزار کارگر اتومبیل‌سازی در چین کار می‌کنند که بسیاری امید دارند تا در آینده جنبش خودرو سازی، در چین احیا شود.^{۱۵}

اگر در چند سال گذشته در امریکا گاه سالانه بیست اعصاب کارگری ثبت شده است در چین گاه تا هشتاد و شش هزار اعتراض در سال صورت گرفته است.

اگر دیترویت روزگاری مهد جنبش سندیکایی بود و کارگران خودروسازی اکثریت کارگران آن شهر را تشکیل می‌دادند، امروزه در لاس وگاس اعضای پر جمعیت‌ترین اتحادیه‌های کارگری در بخش کازینو مشغول به کارند. تعداد کارگران صنعتی سیر نزولی دارد و تعداد کارگران بخش خدمات سیر صعودی، تغییر موازنه از بخش خصوصی به بخش دولتی، زنان در بسیاری از حرفه‌ها شاغل هستند و تعداد زنان عضو اتحادیه‌ها بیشتر از مردان شده است به گونه‌ای که سندیکای مردانه انگلوساکسون را با مشکل روبرو کرده است. کارگران مولد صنعتی تبدیل به کارگران مولد غیر صنعتی شده‌اند و اقتصاد صنعتی به اقتصاد کاغذی تغییر جهت داده است.^{۱۶}

در حالی که پیش از این کارگران با احساس مفید بودن در جامعه به تولید مشغول بودند، اکنون در محیطی کاملا متفاوت مشغول ارائه خدماتی هستند که توانایی آنان را به هدر می‌دهد و به ندرت به آگاهی طبقاتی و جایگاه خود در جامعه می‌انديشند. تنها ۱۴ درصد از کارگران ایالت نوادا عضو اتحادیه‌های کارگری هستند که تعداد آنها ۱۴۴ هزار نفر است. این تعداد در چند سال گذشته افزایش یافته است.

با نگاهی به بودجه تصویبی کاخ سفید می‌توان به دلیل کمبود بودجه و ورشکستگی رفاه اجتماعی در جامعه امریکا پی برد. هزینه‌های سرسام آور ارتش امریکا در جبهه‌های متعدد تحت عنوان برقراری صلح و امنیت در جهان و اختصاص بخش اعظم بودجه تحت عنوان بودجه دفاعی برای کنترل مردم سراسر دنیا به منظور کنترل و به انحراف کشاندن جنبش‌های اجتماعی کشورهای دیگر و هزینه‌های جاسوسی جوابگوی جاه طلبی‌ها و سیاست‌های امپریالیستی امریکا نیست و کارگران و اقشار پایین جامعه بیشتر قربانی این توسعه طلبی‌ها و سیاست‌های اقتصادی امپریالیستی هستند. به عنوان مثال در دو سال گذشته بیست و سه ایالات از ۵۲ ایالات در کشور امریکا، قانون داشتن حق کار را به تصویب رسانده‌اند.^{۱۷}

قانون داشتن حق کار برخلاف اسمش نه تنها به معنای داشتن حق کار برای شهروندان نیست بلکه برای از بین بردن نهاد اتحادیه‌ای در امریکا بوجود آمده است. قانونی که عملا حق دارد قانون کار را رعایت نکند و در عرض یک روز کلیه اتحادیه‌های کارگری را غیر قانونی اعلام کند.^{۱۸}

هفته‌ها تظاهرات مردمی علیه این قانون حتی کوچک‌ترین خللی در مصمم بودن جمهوری‌خواهان و دولت ایالتی ویسکانسین در به اجرا در آوردن این قانون جنجالی بوجود نیاورد. زی‌را به گفته‌ی آنان اجرایی شدن این قانون در شرایط بحران اقتصادی امریکا به کاهش کسری شدید بودجه ایالتی در ویسکانسین کمک به سزایی می‌کرد و کاخ سفید و سنا هر دو به اتفاق آرا به افزایش ۵ درصدی بودجه نظامی در مقابل کاهش ۶،۱۸ درصدی بودجه در بخش کار، بهداشت، رفاه عمومی و آموزش برای سال ۲۰۱۴ رای دادند.^{۱۹} کاملا واضح و مشخص است که این قانونگذاران هیچ گونه تجدید نظر یا بررسی مجددی در رابطه با این قانون را در دستور کار خود قرار ندادند. البته بررسی وضعیت بودجه کشور امریکا از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون به خوبی نشان می‌دهد که هزینه‌های نظامی و جاسوسی و دو جنگ عراق و افغانستان برای کشور امریکا سرسام آور بوده و در برابر هزینه‌ی بخش رفاهی و عمومی کاهش چشمگیری داشته است. این اعتراضات به پنجاه ایالت دیگر هم رسید، اما از آنجایی که روح از خود بیگانه و کارگر گریز در کلیت جامعه وجود دارد، این اعتراضات نتیجه مشخصی بدست نیاورد. (همان منبع^{۲۰})

^{۲۱} اکثر قریب به اتفاق محققان جنبش کارگری امریکا بر این نظر هستند که از زمان ریاست جمهوری ریگان^{۲۲}، جنبش کارگری امریکا به تدریج اعضای خود را از دست داده و در بسیاری از رشته‌ها عملا از بین رفته و نهادهای اتحادیه‌ای کارگری که امروزه به فعالیت خود ادامه می‌دهند، در اصل از اهداف پایه‌ای جنبش اتحادیه‌ای خود دور شده، و عملا در مذاکره برای بهتر شدن وضعیت اعضا با مشکل روبرو شده و بخش عمده‌ی فعالیتشان را در بخش‌های عمومی، مواد غذایی، راه ترابری، مخابرات و پتروشیمی قرار داده که این اعضا هم

به صورت نیمه وقت و موقت هستند و دائماً شغل خود را تغییر می‌دهند. کارکنان بخش تعلیمات و آموزش، دانشگاه‌ها و کارکنان بخش دولتی که بسیاری از آنان را زنان تشکیل می‌دهند، که متأسفانه هنوز خود را کارگر نمی‌دانند.

جنبش کارگری آمریکا که زمانی به عنوان چراغ راهنمای جنبش کارگری جهان فعالیت می‌کرد، امروزه بیشتر به مبارزات جنبش مدنی می‌پردازد و در بهترین حالت در میان کارگران جدید و مبارزه برای حقوق شهروندی فعالیت می‌کند و صندوق‌های بازنشستگی و سایر صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری کارگران به سهام داران اصلی وال استریت تبدیل شده‌اند. سهام این حقوق‌های بازنشستگی هم در بسیاری موارد سرمایه‌های تراست‌های اقتصادی است و کمپانی‌های آنها در سرکوب کارگران امریکای لاتین، آسیا و خاورمیانه سهم دارند و دیگر کار آنها به آن معنی قرن هیجده وجود ندارد و به قول نویسنده لوموند اکنون زمانی است که دلالات مالی، جای مهندسین را می‌گیرند.^{۲۳}

در حالی که سرمایه‌داری به اشکال مختلف و در همه‌ی عرصه‌ها به دنبال افزایش منافع و سود خود می‌باشد از طرف دیگر با به کارگرفتن نیروی کار ارزان سعی در کاهش هزینه‌های تولید خود دارد.

نمی‌توان به جنبش کارگری آمریکا پرداخت ولی به نقش و سیر تحولات جریان‌های چپی بی‌توجه بود که در ساختن این نهاد که امروزه دیگر حتی توان ایجاد یک حرکت اعتراضی را در خود ندارد.

جنبش کارگری آمریکا در گذشته در دوره‌های مختلفی تحت نفوذ جریان‌های متفاوت بوده است و گاه خود دولت هم بیکار نمانده و در شکل‌دهی این جریان‌ها با چشم‌پوشی عمدی به رشد آنها کمک می‌کرده است. البته کمک به چپ در پوشش شوروی ستیزی. (جریان‌های تروتسکیت در دهه سی و چهل)^{۲۴} جریان‌های طرفدار مسکو شاید از اوایل دهه بیست در آمریکا حضور داشته‌اند و بیشترین نیروی خود را در رهبری جریان‌های کارگری آمریکا گذاشته‌اند. (همان منبع^{۲۵})

نباید از نظر دور داشت که تضاد طبقاتی در آمریکا از دوران استقرار سرمایه‌داری و حتی در دوران استعمار انگلیس همواره به شدیدترین وجه نمایان بوده است. انگلس در مقدمه کتاب وضع طبقه کارگر در انگلستان می‌نویسد در طی "ده ماه در آمریکا انقلابی به وقوع پیوسته که در هر کشور دیگر حداقل به ده سال زمان احتیاج داشت."^{۲۶} اگر انگلس روزگاری جنبش کارگری آمریکا را به عنوان سردمدار مبارزات آینده جنبش سوسیالیستی مطرح می‌کرد، دلیلش جامعه‌ای بود که از لحاظ تاریخی بسیار جوان ولی از لحاظ سیاسی و اقتصادی بسیار پخته بود و آمادگی هر نوع انقلاب سیاسی و اقتصادی را در خود داشت. انگلس می‌گوید: "آنچه که هی‌چ‌کس نمی‌توانست پیش‌بینی کند این بود که جنبش در چین زمان کوتاهی با چین قدرت غیری قابل مقاومتی به راه افتد، به سرعت آتش در جنگل خود را گسترش داده و جامعه‌ی آمریکا را با بنیان‌هایش به لرزه در آورد. (همان منبع قبلی) این مسلم و غیر قابل انکار است که کارگران امریکایی در این بحران‌های اقتصادی که از خصیصه‌های اصلی سرمایه‌داری است و به طور مداوم در دوره‌های مختلف تکرار شده و می‌شود، شاهد به یغما رفتن تنها سرمایه‌زندی‌شان، یعنی نیروی کارشان هستند. در حالی که مزد حاصل از این معامله با کارفرما کفاف زندگی خود و خانواده‌هایشان را نمی‌دهد، سرمایه‌داران نیز به بهانه‌ی بحران اقتصادی از پرداخت حقوق کارگران سرباز می‌زنند. اما در این دوره‌ها توان جنبش کارگری محک زده می‌شود و مطالعه تاریخ جنبش کارگری آمریکا بیانگر این ادعاست.

جامعه آمریکا در عین حالی که خودش را مافوق قدرت می‌داند^{۲۷}، اما آماده است که تغییر کند و این تغییرات کمکی باشد برای رفتن به سوی جامعه سوسیالیستی، ولی شرایط اقتصادی و فرهنگ سازی نهاد‌های سرمایه‌داری، مبارزات کارگری را با مشکلات بسیاری روبرو کرده است.

امروز یک مشکل اساسی وجود دارد و آن هم ضعیف بودن روحیه کار جمعی است. روحیه کار جمعی در سطح جامعه بسیار کم دیده می‌شود و تمیزه کردن جامعه و مصرف گرایی، جامعه را با بحران هویتی روبرو کرده و عدم انگیزه تغییر و پذیرفتن این که دیگر راه حلی به جز سرمایه‌داری برای رهایی بشر وجود ندارد، نیروهای مترقی را با مشکل اساسی روبرو کرده است. در این شرایط کمتر انگیزه‌ای برای مبارزه وجود دارد و در بهترین حالت ما با اعتراضاتی روبرو می‌شویم که استمرار ندارند و در مدت زمان کوتاهی فراموش می‌شوند. مانند جنبش وال استریت.^{۲۸}

این موضوع که مافوق قدرت بودن به بخشی از فرهنگ روشنفکری جامعه امریکا هم رسوخ کرده را باید بررسی کرد. امروز آن چنان احساس گناه به همراه سرخوردگی به آنها القاء شده که راهی جز حمایت از جنبش‌های خارج از امریکا ندارند و خودشان در گرداب پارلمان‌تاریزم گرفتار شده‌اند و هر چند خود نیز می‌دانند که در جامعه ای زندگی می‌کنند که در آن بیش از چهل میلیون نفر با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و ده میلیون سرباز جنگی وجود دارد که بسیاری از آنها به لحاظ روانی مشکل دارند. در چنین شرایطی چه راهی در پیش پایشان

چرا روشنفکران امریکایی به این روز افتاده اند؟ برای بررسی این مساله نیاز است به بررسی نهادهایی بپردازیم که در بخش خارجی جامعه امریکا فعالیت دارند.

روشنفکرانی که بسیاری از آنها به گرایشات پست مدرنیست پیوسته‌اند و یا بسیار متمول هستند و مشکل مالی ندارند و دیگر قادر نیستند مفهوم فقر را درک کنند. بسیاری از آنها شبیه به اشخاصی شده‌اند که از پشت پنجره به باریدن برف نگاه می‌کنند و غصه کسانی را می‌خورند که سقفی بالای سرشان نیست. در مراکز علمی تنها با آمار نشریات نیویورک تایمز و واشنگتن پست می‌خواهند از دنیای بهتری حرف بزنند. در اینجا نقش نهادهای سرمایه‌داری را در به انحراف کشیدن روشنفکران نباید نادیده گرفت. این روشنفکر آلوده شده در قدرت دیگر توان ادا در آوردن هم ندارد و در بهترین حالت افرادی که در دانشگاه ام‌ای تی درس می‌خوانند، حتی کسانی مانند نوام چامسکی را هم نمی‌شناسند. (متأسفانه چامسکی هم به خاطر مواضع ضد امریکایی خود در دام جریان‌ات ضد جنگ افتاده و در نشست شورای ایرانی امریکای ساخته شرکت‌های نفتی معروف به لابی ایرانی سخنرانی کرد^{۲۹}) چرا که این افراد حتی در مبارزات روزمره جامعه خود نیز فعالیت ندارند و فقط از امپریالیستی گلایه می‌کنند که خرج رتق و فتق امور آنها را می‌پردازد. دولت امریکا با سابقه‌ی بیش از صد ساله‌ی تاریخ نهادسازی غیر حزبی می‌تواند هر نوع حرکتی را در عرض چند ماه به عقب براند و نهادهای خود را جایگزین احزاب سیاسی‌ای کند که خود را پیرو بلوک شرق سابق می‌دانند. از طرف دیگر بسیاری از کشورهای کمونیستی بلوک شرق با آرزوی رویای زندگی امریکایی و زرق و برق و رشد استعداد، چشمان خود را بر واقعیت بسته‌اند و بی جهت نیست که بسیاری از روشنفکران چپ ایرانی چه آنهایی که سابقاً چپ بوده و چه آنهایی که در مسیر حقوق بشر فعالیت می‌کنند، (امروز با جریان‌ات اصلاح طلب همراه شده اند) هم در این رویا شریکند و با فرموله کردن و پذیرفتن شرایط موجود، همین کار را با جامعه‌ی ایران می‌کنند.

امریکا با داشتن رتبه‌ی اول در تعداد زندانی و زندان در جهان از این زندانیان به طور رایگان بهره‌کشی می‌کند. بر اساس آمار در حال حاضر امریکا در حالی که ۵ درصد جمعیت دنیا را دارد، ۲۵ درصد از زندان‌های جهان را داراست.^{۳۰} با مراجعه به آمار و ترکیب جنسی، سنی، قومی، و شغلی به راحتی می‌توان دریافت که در پشت دیوار عدالت و بشردوستی، انسان‌ها چه زجری را تحمل می‌کنند. به عنوان مثال کارکنان ارتش امریکا از جایگاه بالایی نسبت به سایر شهروندان امریکایی برخوردارند به خصوص در بخش قضایی. بر اساس آمار موجود سال گذشته بیش از ۲۶ هزار مورد اذیت و آزار جنسی در ارتش امریکا به وقوع پیوسته که تنها سه هزار و سیصد و هفتاد و چهار مورد ثبت شده است.^{۳۱} قابل توجه است بدانیم که تجاوز به زنان در ارتش جرم مهمی نیست و فقط دو هفته زندان دارد، در حالی که دزدیدن یک دوچرخه توسط یک سیاه پوست، اگر سه بار تکرار شود در بعضی از ایالت‌ها به حبس ابد محکوم می‌شود.

روشنفکران امریکایی چندان اهمیتی به این قضایا نمی‌دهند. اما از این مهم‌تر زندانیانی هستند که به عنوان لشکر کار، به طور رایگان یا با دستمزد بسیار ناچیز ساعات طولانی بیگاری می‌کنند. خصوصی‌سازی زندان‌ها و در زندان نگه داشتن زندانیان با محکومیت‌های طولانی بدون مدرک و دلیل، یکی از هزاران مشکلاتی است که جامعه‌ی سرمایه‌داری امریکا، مردم امریکا را در آن گرفتار کرده، اما گویا معضلات جامعه‌ی امریکا آن چنان قابل توجه است که کمتر کسی به آن می‌پردازد. نگاهی به آمار و ارقام سایت‌های آماری کشور امریکا، وجدان هر انسان عدالت‌خواهی را به درد می‌آورد.

با توجه به آمار مرکز بین‌المللی مطالعات زندان، ایالات متحده بالاترین درصد از زندانیان در جهان را دارد. در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت ۷۱۶ زندانی در زندان‌های امریکا به سر می‌برند. البته باید اشاره کرد که این آمار جدید است و بر اساس گزارش نیشن مستر (Nationmaster) این آمار نسبت به سال‌های قبل کمی کاهش یافته است.^{۳۲}

بررسی تاریخی جنبش کارگری امریکا

برای شناخت جنبش کارگری امریکا نیاز است به مجموعه‌ای از عوامل نگاهی بیندازیم تا بتوانیم درک روشنی از قضاوت خودمان از این جنبش ارایه دهیم. جامعه‌ای که محصول مهاجرت میلیون‌ها انسان برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی شان می‌باشد.

جامعه‌ای که در آن ابتدا مهاجران در سرکوب و از بین بردن بومیان نقش داشتند، جامعه‌ای که با آوردن سیاه‌پوستان به عنوان برده، فرهنگ بالا دست و فرودست را اشاعه داده و تا به امروز فرهنگ روانی جامعه از این سرکوب درونی شده رها نشده است.

جامعه‌ای که با وسعت عظیمش، همیشه به مهاجر نیاز داشته و تا به امروز هم مهاجران نقش به سزایی در سیاست امریکا بازی می‌کنند، چه آن زمان که با انداختن رقابت در بین مهاجران و امریکایی‌ها و درگیری درونی و ایجاد اختلاف، سرمایه از این اختلافات استفاده کرده است و چه امروز که بسیاری از تحصیل‌کردگان یا نخبگان سایر کشورها برای کار با شرایطی بهتر امریکا را قبله آمل خود می‌دانند.

جامعه‌ای که از زمان جنگ داخلی (شمال و جنوب) تا سالیان دراز شرایط نظامی بر آن سایه افکنده و حتا امروزه هم کمپانی‌های فروش اسلحه از این جنگ داخلی استفاده کرده و به تعداد جمعیت امریکا، در میان مردم این کشور اسلحه وجود دارد. امروز وجود این همه سلاح در دست مردم به یک بحران امنیتی بزرگی تبدیل شده است.

جامعه‌ای که در طی چهارصد سال گذشته در مبارزات اجتماعی مردم، فردگرایی را گسترش داده تا مانع ایجاد یک جنبش طبقاتی شود.

تاریخچه جنبش کارگری امریکا

تاریخ مبارزاتی جنبش کارگری امریکا به سال ۱۹ ۱۶ برمی‌گردد که کارگران ماهر ویرجینیا حق رای را به دست آوردند.^{۳۳} کارگران بارها برای فشار بیش از حد کار و در نبود نیروی کار دست به اعتراض زدند. کارفرمایان برای بدست آوردن نیروی کار جدید به خصوص در بخش تنباکو به آوردن بردگان از افریقا به امریکا دست زدند و به دنبال آن در سال ۱۶۴۲ قانون بردگان افریقا وضع شد.^{۳۴} در سال ۱۶۷۷^{۳۵} در شهر نیویورک اولین قانون ضد اعتصاب نوشته شد. از زمان رسمیت یافتن بردگی در امریکا تا سال ۱۷۰۰ که کارگران چارلزتون اولین اعتصابشان را برای افزایش دستمزد به اجرا در آوردند، مبارزات کارگران ادامه داشت. در سال ۱۸۲۹ کارگران برای کم شدن ساعات کار به ۶۰ ساعت در هفته فعالیت متشکل خود را شروع کردند و اولین اتحادیه‌ی کارگری را در امریکا تشکیل دادند.

در این بررسی نباید استقلال (انقلاب) امریکا را از نظر دور داشت که منجر به جدایی سیزده ایالت امریکای شمالی از بریتانیا و تاسیس ایالات متحده امریکا در بین سال‌های ۱۷۸۳-۱۷۷۵ شد. با بیرون راندن انگلیسی‌ها از بوستون، توماس جفرسون و بنجامین فرانکلین اعلامیه استقلال امریکا را نوشتند و در سال ۱۷۸۹ جورج واشنگتن رییس جمهور امریکا شد. این جنبش استقلال‌طلبانه و رهایی از سلطه‌ی امپراطوری انگلستان به هیچ وجه به معنای تغییر روابط اقتصادی و اجتماعی دوران استعمار نبود.^{۳۶}

استقلال امریکا و جدایی از بریتانیا به رهایی بردگان و بومیان منجر نشد. تقریباً همه‌ی رهبران انقلاب امریکا خود از مالکان برده بودند و تا به امروز از خلع ید بومیان و حتی از قتل عام بومیان امریکا نیز حمایت می‌کنند.^{۳۷}

جنبش کارگری امریکا را باید به لحاظ تاریخی به دوبرخ مهم تقسیم کرد، قبل از بحران و رکود اقتصادی سال ۱۹۳۰ و بعد از بحران. اولین انجمن صنفی کارگران چاپ در سال ۱۷۷۸ در شهر نیویورک شکل گرفت. در خلال سال‌های ۱۸۳۷-۱۸۳۳ در بسیاری از بخش‌های مختلف مانند راه آهن، معادن، سدسازی‌ها و ساختمان‌ها، کارگران شهرهای بوستون، نیویورک و فیلادلفیا برای کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد خود دست به اعتراض زدند. رهبران این کارگران در یک نشست، اتحادیه عمومی کارگران (General Trades union) را پایه‌گذاری کردند.^{۳۸}

مشکل اساسی این سندیکا عدم وجود هماهنگی خارج از محیط شغلی کارگران بود. گرچه رهبران کارگری صدای اعتراض خود را بلند کردند ولی قوانین حاکم سد راه فعالیت آنها بود، سرکوب و اخراج کارگران باعث شد که آنان به فعالیت مخفی روی بیاورند. این فعالیت‌های مخفی هم زمان بود با جنگ داخلی امریکا (American civil war 1861-1865) برای خاتمه دادن به برده داری. در واقع بردگان باید به کارگران روز مزد تبدیل می‌شدند زیرا دیگر بردگی کارآئی خود را از دست داده بود.

در بحبوحه‌ی جنگ داخلی و با رشد صنعت نساجی، کارگران این بخش از صنعت در فیلادلفیا در سال ۱۸۶۹ "شوالیه‌های کار" را تاسیس کردند. شعار این شوالیه‌ها این بود که کلیه‌ی کارگران به دور از هر نژاد و صنفی می‌توانند عضو این گروه شوند، این حرکت برای اولین بار در جنبش کارگری امریکا بسیار ارزشمند بود. هر چند جنبشی مردانه و سفید پوست بود.^{۳۹}

این نهاد با راه انداختن جلسات مطالعاتی و کمک‌رسانی، حمایت خود را از شعبات احزاب کارگری اعلام کرد. رهبران شوالیه‌های کار تاکید و تبلیغ زیادی روی اعتصاب کارگران داشتند و بیشترین نیروی خود را در راستای آموزش و تاثیر بر کارگران جهت تغییرات اجتماعی و مبارزه برای تغییر قانون گذاشته بودند. در کمتر از هشت سال این نهاد کارگری توانست هزاران کارگر را در سراسر امریکا به عضویت خود درآورد.

از سال ۱۸۷۷ با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری فصل جدیدی در مبارزات کارگران آغاز شد و دولت نیز برای برخورد با آنان نیاز به شیوه‌های جدید داشت. در شهرهای بالتیمور و اوهایو اعلام شد که ۱۰ درصد حقوق کارگران راه آهن کاهش می‌یابد. به دنبال آن در شهرهای وست ویرجینیا، مارتین زبرگ و اوهایو اعتصابات کارگری کم کم شروع شد که با خشونت سرکوب شد. نمایندگان دولت در این شهرها از دولت فدرال درخواست کمک نظامی کردند. این خشونت‌ها به بسیاری شهرهای دیگر امریکا کشیده شد و با ورود نیروهای نظامی دولت فدرال، اوپاشان نظامی با به آتش کشیدن ۳۹ ساختمان و از بین بردن ۱۰۴ لوکوموتیو و ۱۲۴۵ و آگن سعی کردند این خرابی‌ها را به گردن کارگران انداخته و کارگران معترض را عده‌ای اوپاش و مغل آسایش و آرامش مردم نشان دهند. مانند ترفندهای همیشگی تمام حکومت‌های ضد کارگر، در طول تاریخ مبارزه کارگران این حیل‌های برای سرکوب راحت تر کارگران و جلوگیری از پیوستن سایر مردم به این جنبش عظیم بوده است.

در هفت ایالت صد هزار کارگر دست از کار کشیده بودند و نصف خطوط راه آهن امریکا از کار افتاده بود. در طول این جنبش که به خاک و خون کشیده شد، صد کارگر کشته شده و تعداد زیادی از کارگران دستگیر و به زندان افتادند و عده زیادی از آنان در دادگاه به جرم توطئه علیه جامعه محاکمه و محکوم شدند.^{۴۰}

قانون کار امریکا در سال ۱۸۷۷ بعد از روسیه یکی از بدترین قانون‌های کار در کشورهای صنعتی بود. در آن زمان در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۷۷ تا ۱۹۰۰، یازده اعتصاب کارگری عظیم، به دستور روسای جمهور امریکا با فرستادن ارتش سرکوب شد و گارد ملی نیز بین ۱۱۸ تا ۱۶۰ اعتراض کارگری را سرکوب کرد.^{۴۱}

در سال ۱۸۹۰ (۱۸۹۰) روسای کمپانی‌ها، حقوق کلانترها و پاسبان‌ها را مستقیماً پرداخت می‌کردند و بسیاری از کمپانی‌ها گاه تا ۳۰ هزار نیروی اعتصاب‌شکن برای سرکوب کارگران معترض داشتند.^{۴۲} بیکاری عظیم و نیروی کار مهاجران این ارتش عظیم را در اختیار سرمایه داران گذاشته بود.

سرکوب اعتراضات ۱۸۷۷، اعضای بسیاری از شعبه‌های شوالیه‌های کارگری را به این نتیجه رساند که باید در استراتژی خود تغییری به وجود آورند. آنان شکست اعتصابات را نتیجه علنی نبودن رهبران تشکیلات کارگری خود دانستند و تصمیم گرفتند به فعالیت علنی پرداخته و رهبران اتحادیه به شکل علنی برای دستیابی به خواسته‌های کارگران با کار فرمایان به مذاکره بپردازند.

به گزارش خود شوالیه‌های کار در سال ۱۸۸۳ پنجاه هزار و در سال ۱۸۸۵ این تشکیلات صد هزار عضو داشت. (همان منبع قبلی)

جنبش ۸ ساعت کار روزانه و اعتصاب اول ماه می

اول ماه می، روز جهانی کارگر یادآور اعتصاب خونین کارگران شیکاگو با خواسته‌ی ۸ ساعت کار روزانه است. شوالیه‌های کارگری به اعتصابات عمومی برای هشت ساعت کار در روز پیوستند که توسط فدراسیون اتحادیه‌های کارگری امریکا (Federation of organized trade labor unions) اعلام شده بود.

در سال ۱۸۶۶ در شیکاگو شوالیه‌های کارگری برای افزایش ۵،۱ دلاری حقوق کارگران غیر ماهر راه آهن، فراخوان اعتصاب داده بودند. در یک می ۱۸۶۶ بیش از ۱۵۰۰ محیط کار دست از کار کشیدند، بیش از ۳۰ هزار کارگر به اعتصاب پیوستند. پلیس شیکاگو به اعتراضات کارگران حمله کرد که به کشته شدن دو تن و زخمی شدن عده‌ی زیادی از کارگران منجر شد. هم زمان آنارشیست‌ها موفق شدند تجمع اعتراضی ۵۰ هزار نفری در هی مارکت Hay Market برگزار کنند و به یک سخنرانی دوساعته در رسای عدم خشونت پرداختند. در همان حین بمبی در اطراف محل اتراق پلیس منفجر شد که در اثر آن یک پلیس کشته و بیش از هفتاد نفر مجروح شدند. به دنبال آن پلیس شروع به تیراندازی کرد که به کشته شدن یک کارگر و زخمی شدن تعداد زیادی از معترضین منجر شد. (Lambert, 2005, Voss, 1933)

در این مقطع ارتش برای سرکوب مستقیم وارد عمل شد و فعالان سندیکا را کمونیست، سوسیالیست و آنارشیست خواند. تعداد بسیاری دستگیر شدند و شش ماه بعد چهار آنارشیست اعدام و چندین نفر به جرم ساختن بمب به زندان محکوم شدند.

به دنبال این ماجرا در عرض چهار سال اعضای سندیکاهای کارگری تا ۹۰ درصد کاهش یافت. بعضی‌ها ادعا می‌کنند یکی از علل فروپاشی شوالیه‌های کارگری را می‌توان درگیری‌های داخلی بین کارگران ماهر و غیر ماهر دانست. اما مهم‌ترین علت را باید در سیاست تفرقه‌اندازی انجمن کارفرمایان امریکا (American Employer Association) برای نابودی اتحاد و همبستگی اعضای شوالیه‌های کارگری جستجو کرد. به همراه آن با سرکوب، تهدید و اخراج کارگران به اهدافشان دست یافتند.

اما گسترش صنعت خودروسازی، بار دیگر اتحادیه‌های کارگری را احیاء کرد. در سال ۱۸۹۹، کارخانه اتومبیل‌سازی فورد در شهر دیترویت تاسیس شد. این کارخانه تا سال ۱۹۰۱ توانسته بود فضای سیاسی دیترویت را تغییر دهد. اکثر کارگران این شهر عضو اتحادیه بودند.

سال ۲۰۱۴ مصادف است با صدمین سالگرد قانون افزایش دستمزد هنری فورد در کارخانه فورد به منظور افزایش فروش محصولات

تولیدی خود به کارگران شاغل در کارخانجات مزبور. در سال ۱۹۱۴ فوردهای کارگران خود را به ۵ دلار در روز افزایش داد تا کارگران را تشویق به خرید اتومبیل‌های فوردهای نماید، یعنی تولید بیشتر به منظور کسب سود بیشتر و یک مصرف کاذب.^{۴۳}

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۰۶-۱۸۹۶ درآمد کمپانی‌های راه آهن، ذغال سنگ و کارخانه‌ای، معادل ۶ بیلیون دلار بود یعنی شش برابر مجموع درآمد ۱۸ سال گذشته.^{۴۴} نقش و تاثیر کمپانی‌ها هر روز افزایش بیشتری می‌یافت. در سال ۱۹۰۰ فدراسیون مدنی ملی (National NCF) (Civil Federation) پایه‌گذاری شد. (همان منبع، ۲۱) این نهاد اقتصادی و اجتماعی توسط سناتور مارک هانا (Mark Hanna) با هدف کاهش درگیری در محیط‌های کاری بوجود آمد.

در این دوره بود که برای بسیاری از نهادهای اقتصادی نقش سیاسی دولت بیشتر آشکار می‌شد و در عین حال نهادهای کارگری نیز در حمایت از سیاستمداران به فعالیت می‌پرداختند تا برای اعتصاب‌ها از حمایت این سیاستمداران برخوردار شوند و در همین راستا در سال ۱۹۰۰ بسیاری از کارگران در انتخابات به ویلیام مک کینلی رای دادند.^{۴۵}

NCF سعی می‌کرد که کارگران را متقاعد کند که رشد اقتصادی‌ای که در امریکا بوجود آمده می‌تواند به بهتر شدن وضعیت اقتصادی کارگران کمک کند و از طرفی نیز تلاش می‌کرد که قراردادهای دسته‌جمعی به رسمیت شناخته شود و به حل اختلافات در هنگام اعتصابات کارگری می‌پرداخت تا از مبارزات رادیکال کارگری جلوگیری کند. در ضمن با استخدام صدها اقتصاددان در دانشگاه ویسکانس و تعلیم دیگر اقتصاددانان سعی در تنظیم قرارداد جدیدی داشت. که معروف به "پنج سال عظیم در اقتصاد امریکا" می‌باشد.^{۴۶}

دلیل به وجود آمدن NCF را باید آنجا دید که در انتهای سال‌های ۱۸۹۰ بسیاری از تشکلهای کارگری جهانی به عضوگیری جدید پرداخته بودند و در بسیاری از محیط‌های کار بحث خرد مدیریتی و مشارکت کارگران را مطرح می‌کردند، از جمله فدراسیون جهانی خودروسازان، فولاد و معادن.

در سال ۱۹۰۱ این نهادهای کارگری با داشتن منابع حق عضویت خشم صاحبان کار را برانگیخته بودند. در بین سال‌های ۱۹۰۴-۲۱۹۰۲ در اعتصابات کارگری حداقل ۱۹۸ نفر کشته و در مجموع ۱۹۶۶ نفر مجروح شده بودند.^{۴۷}

در فاصله سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۵ سالانه دو درصد به اعضای اتحادیه‌های کارگری اضافه شد و اتحادیه‌های کارگری در سال ۱۹۱۰ بیشتر از اعضا خود را از کارگران ساختمان‌سازی می‌گرفتند. کارگرانی که در بسیاری زمینه‌ها مثل ایمنی در کار تهجمی برخورد می‌کردند. فدراسیون کارگران امریکا سعی می‌کرد که میان کارگران و کارفرما هماهنگی بوجود آورد و برای همین اصل بود که توانسته بود بعد از جنگ جهانی اول که بسیاری از کشورهای اروپایی اعضای خود را از دست داده بودند کارگران جدیدی را به عضویت خود آورد. در این سال‌ها اتحادیه‌های کارگری امریکا چهار میلیون عضو داشتند یعنی ۲۱ درصد کارگران در محیط‌های کار، بعد از جنگ و در همین دوره بیش از ۳۵۰ هزار کارگر فولاد برای به رسمیت شناخته شدن قرارداد دسته‌جمعی دست به اعتصاب زدند اما کارفرمایان رهبران کارگران را به جاسوسی برای خارجیان و ارتباط با بلشویک‌ها متهم کردند و از افریقا ۳۰ هزار کارگر به عنوان اعتصاب‌شکن به امریکا آورده و جایگزین کارگران اعتصابی در محیط‌های کار نمودند.^{۴۸}

بیشترین ضربه به جنبش کارگری امریکا در دهه سی وارد شد. یعنی از دست رفتن نیروی کار اتحادیه‌ای. به این صورت که در اوایل دهه سی کارگران معادن از ۵۰۰ هزار نفر به ۸۰ هزار نفر و کارگران دوزندگی از ۱۸۰ هزار نفر به ۶۰ هزار نفر کاهش یافت و کارگران کشاورز از ۲۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش یافت. (منبع قبلی)

لازم است نقش راکفلر در اقتصاد امریکا بررسی شود، خانواده‌ای که از ثروتمندترین خانواده‌های تاریخ امریکا تا زمان حاضر هستند. شاید خود راکفلر آنقدر موثر نبود ولی بنیادهای اقتصادی این خانواده تاثیرشان را بر روابط کار تا به امروز ادامه داشته‌اند. راکفلر پدر در سال ۱۹۱۱ صاحب پنج کمپانی بود. (استاندارد اوایل در نیوجرسی که در دهه هفتاد به EXXON تغییر نام داد، موبایل Mobil در کالیفرنیا، CocaCola در آتلانتا و چند شرکت شیمیایی)، این کمپانی‌ها کلیه بانک‌های امریکا را در کنترل داشتند.

بنیاد راکفلر به علت طولانی کردن اعتصاب کارگران و به خاک و خون کشیدن اعتصاب کارگران معدن لودلو (Ludlow) در شهر کلورادو در سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴ شهرت دارد که منجر به دستگیری و کشته شدن ۲۰ کارگر شد. (منبع قبلی)

این بنیاد برای ایجاد ترس در کارگران از هر حربه‌ای استفاده کرده و به شکل مافیایی برای رسیدن به هدفش اقدام می‌کرد. بنیاد راکفلر برای اولین بار به فکر ایده "مخزن فکر" افتاد و از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۳ با دادن پول به شکل رشوه و باج به کلیه بخش‌های بهداشتی، آموزشی، فضای عمومی (پارک‌ها) و موزه‌ها، سیاست‌های عمومی دولت را دیکته می‌کرد.^{۴۹}

راکفلر با پرداخت به اصطلاح کمک مالی بالغ بر ۲۶۷ هزار دلار در سال ۱۹۳۴ از یکی از کمپانی‌هایش و همچنین مبلغ ۱۱ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار، هرگز نگران رد سیاست‌هایش از جانب دولت نبود.

نهادهای دست ساز بنیاد راکفلر

نهادهای کارنیگ ° (Carnegie Endowment for International Peace)

این نهاد که در سال ۱۹۱۲ تاسیس شده است را می‌توان نهادی دانست که شاید در تربیت روسای جمهور و هیات وزیران کشورهای دیگر نیز نقش دارد، این نهاد با دارائی سیصد میلیونی‌اش بسیار فعال است و طی جلسات ماهیانه‌ی برنامه‌هایی بر اساس مخازن فکری خود دارد و سعی در ایجاد افکار عمومی منطبق با اهداف و در مسیر خودشان دارند و به قول معرف دیسکورس (مباحث) خودشان را به جای هر دیسکورسی معرفی می‌نمایند. این افراد با شناختن روشنفکران دیگر کشورها که از سابقه چپ می‌آیند، با آنها ارتباط خیلی نزدیکی برقرار می‌کنند و ضعف این روشنفکران را می‌دانند و متوجه هستند که جریان‌ات چپ بیشتر وقت خود را به درگیری نظری می‌پردازند تا عمل روزمره. می‌دانند که اگر چپی با جریان خودش مشکل داشت سریع یک وصله می‌خورد و اذیت و آزار تشکیلاتی را با خود همراه دارد و می‌دانند که برای بخش عمده‌ی افراد جریان‌ات سیاسی، فعالیت سیاسی یک کار جانبی به شمار می‌رود.^{۵۱}

قدیمی‌ترین نهادی که تا به امروز فعالیت‌اش را ادامه داده خانه ازادی است این نهاد در سال ۱۹۴۱ تاسیس شده است.^{۵۲}

نگاهی به روند تاثیرگذاری شکست سوسیالیسم اردوگاهی بر جنبش کارگری امریکا نشان می‌دهد جنبش کارگری که از رشد فوردیسم و ماشین‌سازی و تکنولوژی در دهه شصت توانسته بود طبقه‌ی متوسطی را بوجود آورد، در دهه‌ی هشتاد با کمک گرفتن از تئوری کشور المان (the German Federal Republic's party foundations) حزب بنیاد جمهوری خواه المان فدرال با شعار

° ("These foundations known as "Stiftungen") (نهادهای شناخته شده به عنوان مبانی)

مبانی بر بنیادهایی که توانسته بودند در دوران نازی از لحاظ ایدئولوژی به مقابله با فاشیسم بپردازند. با این الگو برداری که دیگر تئوری سازمان سیا رئیس جمهور جانسون در اواخر دهه شصت و هفتاد به بن بست رسیده بود و تز خود را عوض کردند با این شعار که تنها برای مقابله با ایده سوسیالیستی کشورهای بلوک شرق باید تئوری پروسه‌ی دمکراسی را مطرح کرد. این بنیاد تئوریک را می‌شود در تاریخچه سازمان اوقاف ملی امریکا که معروف به ان‌ای دی است مطالعه کرد.^{۵۴}

البته ان ای دی توانسته با نهادهایی که خود ساخته ، بسیار فعالانه تعداد زیادی از فعالان سابقا چپ را با خود همراه کند. این نهادها که گاه در صد کشور جهان شعبه داشتند در حالی که برای شعار دمکراتیک‌سازی و نهادسازی نیروی خود را گذاشته بودند در همان حال هم با زیر سوال بردن جنبش‌های مسلحانه و موافق سوسیالیسم مبارزه‌ی ایدولوژی می‌کردند. این نهادها عبارت بودند از:

۱- موسسه ملی دمکراتیک، *The National Democratic Institute (NDI)* این نهاد در سال ۱۹۸۳ تاسیس شده است.^{۵۵} این نهاد در ابتدا بیشترین فعالیتش را در اروپای شرقی بود و امروزه فعالیت اش در امریکای لاتین، آسیا، خاورمیانه و آفریقا است.

۲- بنیاد کارتر این نهاد در سال ۱۹۸۲ تاسیس شده است.^{۵۶} یکی از پیچیده‌ترین این نهادها، "بنیاد جامعه باز" آقای جورج سوروس است. این بنیاد با سرمایه‌گذاری زیاد سعی می‌کند دولت‌ها را در مسیر اهداف خودش تغییر دهد.^{۵۷}

جنبش کارگری بعد از جنگ جهانی اول

بعد از قتل و عام کارگران Ludlow^{۵۸} در سال ۱۹۱۴ قانون کمیسیون روابط تجاری را تنظیم کردند و سهامداران بنگاه‌های اقتصادی را نیز مجبور کردند که به این قانون رای دهند.

در اوایل دهه‌ی سی، با فشار اتحادیه‌ها و بروز اعتراضات اجتماعی دولت مجبور شد قانون رفاه اجتماعی را تصویب کند.^{۵۹} این قانون در ۶ آوریل ۱۹۳۳ به تصویب رسید و بر اساس آن کار هفتگی از ۶۰ ساعت به سی ساعت در هفته تغییر یافت. این قانون هیچ اشاره‌ای به حداقل دستمزد نکرده بود، این قانون با مخالفت روسای کمپانی‌ها مواجه شد و به مدت دو سال به حالت تعلیق در آمد. در سال ۱۹۳۵ قانون روابط کار کشوری تصویب شد. در این قانون مواد کنوانسیون ILO به رسمیت شناخته شد. این قانون شاید تا مدتی می‌توانست برای امر تشکل یابی کارگران مهم باشد ولی نتوانست آنها را متشکل‌تر کند، چون نهاد سندیکا بر اساس حرفه تعیین می‌شد ولی این رشته‌ها آن چنان متفرق بودند که جایی برای متشکل شدن نبود.

زمانی که کارگری عضو اتحادیه می‌شد به خاطر بسته بودن محیط کار (close shape) نمی‌توانست با کارگران دیگر چندان رابطه برقرار کند. یعنی کارگران وقتی استخدام می‌شدند چنان چه در محیط کار اتحادیه وجود داشت، به طور اتوماتیک عضو اتحادیه می‌شدند. این کارگران که برای استخدام از صدها سد روانشناسی و ارتباطی با کارفرما باید عبور می‌کردند قاعدتا آگاهی سندیکایی را با خود نمی‌آوردند و در بسیاری از مواقع همین کارگران خود مخالف آموزش سندیکایی بودند و کارگران با درآمدی نسبتا مناسب ضرورتی برای فعال بودن سندیکا نمی‌دیدند و سندیکا تبدیل به شرکت بیمه شده بود. چرا که مطابق قانون شکایت کارگر به هر دلیلی، از طرف سندیکا باید دنبال می‌شد. بعد از تصویب قانون ضدکارگری جدید در امریکا در بسیاری از محیط‌های کار حتا ده درصد کارگران هم حق عضویت نمی‌دادند. کارگران تصور می‌کردند با پرداخت حق عضویت کارشان را تضمین می‌کنند و فقط زمان بستن قرارداد جدید با هم ارتباط داشتند.

اختلاف بلوک شرق و غرب، شرایطی را بوجود آورده بود که کارگران از مزایای کاری حداقل بهره‌مند باشند، چه بسا کارگران بسیاری از صنایع به خصوص معادن، خودروسازی و نفت از رفاه نسبتا بالایی نیز برخوردار بودند. این کارگران که دارای اشرافیتی شده بودند و همیشه سعی می‌کردند خود را نه کارگر، بلکه طبقه متوسط معرفی کنند و تا به امروز نیز اتحادیه‌های کارگری اعضای خود را طبقه‌ی متوسط معرفی می‌کنند، رویای بازگشت طبقه متوسط را در سر دارند.

در تمام دهه‌ی سی اتحادیه‌های کارگری سعی می‌کردند مفاد کلیه‌ی قوانین حق تشکل را به قانون کار تحمیل کنند و راکفلر با گذاشتن یک کنفرانس معروف به کمیته کنفرانس مخصوص، تمامی کارفرمایان و نهادهای کارگری را دور هم جمع کرد. این کنفرانس تا سال ۱۹۳۶ در شهر نیوجرسی سالیانه برگزار می‌شد. (Gordon 1994) در سال ۱۹۳۵ از دل این شرایط تشکل مجامع صنعتی (Congress Industrial Organisation) (CIO) در آمریکا به وجود آمد. و به دنبال آن فعالیت خودش را در کانادا هم شکل داد که بسیاری از اتحادیه‌های خصوصی آمریکا در کانادا هم شعبه دارند. این تشکل کارگری در آمریکا با حمایت از حزب دمکرات و کاندیدای این حزب، روزولت، برای تغییر دموکراتیک پا به عرصه فعالیت‌های کارگری نهاد که این امر نشان‌گر قدرت وسیع سرمایه‌داری در آمریکا در این دوره است. (در آمریکا یک حزب قدرتمند با دو گرایش ولی یک هدف در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به نام جمهوری‌خواهان و دمکرات‌ها وجود دارد، اما حامیان جمهوری‌خواهان سفیدپوستانی هستند که خود را جناح برتر و برگزیده در جهان می‌دانند و حامیان دمکرات‌ها تاریخا از اقلیت‌های نژادی، مذهبی، جنسی، کارگران و مهاجرین جدید می‌باشند.)

آمار کمک‌های مالی AFL به حزب دمکرات تا سال ۱۹۳۳ گاه تا یک میلیون دلار در سال بود، اما با آمدن CIO دیگر از مرز کمک مالی گذر کردند و با استخدام کارکنان CIO در محیط‌های کار به خصوص خودروسازی میشیگان وضعیت کارگران بهتر شد. کارخانه اتومبیل‌سازی از این جهت انتخاب شد که یک جریان حساس اقتصادی در آمریکا بود و اگر اعتصابی در این بخش موفق می‌شد می‌توانست روزنه امیدی برای کارگران بخش‌های دیگر بوجود آورد.

CIO در دهه سی توانست با موفقیت در اعتصابات گوناگون منجمه فولاد، خودروسازی، تشکل سازی در بخش صنعت را رشد دهد. CIO با گرفتن کمک از نمایندگان مجلس حتی توانست در تصویب بودجه تاثیر داشته باشد، ولی بسیاری از کمپانی‌ها با طولانی کردن اعتصاب و حمایت پلیس و اخراج کارگران رشد تشکل‌یابی را کم می‌کردند. این موضوع که جریانات چپ در CIO فعال بودند را نمی‌توان نادیده گرفت.^{۶۱}

در اواخر دهه چهل AFL با حمله به CIO آنها را متهم کرد که زیر نفوذ کمونیست‌ها هستند و اعتراضات کارگران بندر West Long Shoremens را دسیسه‌ی کمونیست‌ها دانست. (همان منبع 28)

در زمان جنگ جهانی دوم کلیه اعتراضات کارگری ممنوع شد و جنبش کارگری در حالت دفاعی قرار داشت. در سال ۱۹۴۵ اعضاء اتحادیه‌های کارگری از ۹ میلیون نفر در سال ۱۹۴۱ به ۱۵ میلیون نفر افزایش یافته بود. در این مقطع 4/35 در صد کارگران عضو اتحادیه‌ها بودند. (مرکز آمار اتحادیه‌های کارگری)

در سال ۱۹۴۷ مجلس قانون تفت‌هارتلی (THE taft hartley act)،^{۶۲} قانون مبارزه با کمونیسم، را در آمریکا تصویب کرد. این قانون ضد کارگری یا قانون مدیریت - کارگر را تغییر داد و کارگران باید با رای اکثریت و انتخابات در محیط کار به اتحادیه می‌پیوستند. اتحادیه‌های کارگری از شرکت در انتخابات منع شدند و اتحادیه‌ها و رهبران آنها باید ثابت می‌کردند که به هیچ وجه از حزب کمونیست حمایت نمی‌کنند. البته این قانون در سال ۱۹۵۰ در دادگاه به چالش کشیده شد. این قانون دست کارفرمایان را برای فعالیت سیاسی باز گذاشت ولی برای اتحادیه‌ها هر فعالیتی ممنوع بود. حتی فعالان کمونیست در اتحادیه باید تعهد کتبی می‌دادند^{۶۳} که هیچ گونه ارتباطی با حزب کمونیست ندارند. این قانون ریشه در قانون اساسی آمریکا دارد. طبق قانون اساسی در صورت کمونیست بودن یا عضویت در حزب کمونیست نمی‌توان شهروند آمریکا شد.

از آن دوره به بعد هر دو نهاد اتحادیه‌ای AFL و CIO همکاری‌های خود را با هم ادامه دادند در سال 1955 برای مبارزه با این قانون این دو نهاد با هم متحد شدند.

هم زمان با از بین رفتن شوالیه‌های کارگر، فدراسیون کارگری آمریکا (America Federation Of Labor) بوجود آمد. این فدراسیون از دل شکست شوالیه‌ها بیرون آمد و با علم به درس گرفتن از علل شکست شوالیه‌ها می‌خواست در پروسه کم کاری و اعتصاب و تحت

فشار گذاشتن صاحبان صنایع و قرارداد دسته جمعی حق کارگران را بگیرد. AFL در زمان کوتاهی موفق شد در صنعت امریکا صدها هزار نفر را به عضویت بگیرد و چهل سندیکا را به عضویت خود در آورد. اعضای AFL را کارگران ماهر تشکیل می‌دادند، اعم از نجارها، چاپ‌خانه‌ها، معادن، سازندگان وسایل خانه و دخانیات.

یکی از ویژگی‌های اصلی AFL دوری از سیاست و عدم ارتباط با احزاب سیاسی بود. ساختار سیاسی دو حزبی امریکا که در اساس سک حزب است (این دو حزب در تمامی مسائل داخلی و خارجی یک سیاست را دارند) و کنترل سیاست حزبی و فضای سیاسی حاکم هرگز اجازه فعالیت به حزب سومی را نمی‌داد و قوانین درونی AFL مارکسیست‌ها و آنارشویست‌ها را از این نهاد کارگری دور می‌کرد. AFL به خاطر داشتن اعضای ماهر به کارگران غیر ماهر اجازه عضویت نمی‌داد زیرا کارگران ماهر می‌توانستند با توجه به تکنولوژی حقوق و مزایای اضافه خود را به دست بیاورند.^{۶۴}

بین سال‌های ۱۹۰۴-۱۸۹۶ اعضای اتحادیه به ۳۹۱ هزار و ششصد نفر رسید.^{۶۵}

حزب کمونیست امریکا

حزب کمونیست (مارکسیست، لنینیست) در سال ۱۹۱۹ تاسیس شد. این حزب به موازات جنبش کارگری امریکا تاریخ پیچیده‌ای دارد. در بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ نقش تعیین کننده‌ای در جنبش کارگری داشته و در ساختن ایده سندیکای صنعتی (Industrial union) کارگران جنبشی مبنی بر "جراحات بر یک نفر جراحات بر همه است." (**Injury to one, injury to all**) را بنیان گذاشتند. دولت امریکا هیچ گاه نمی‌پذیرفت که دیدگاه‌ها و نظرات بلوک شرق در امریکا رشد کند و همین تفکر و دیدگاه را در نهادهای کارگری و کمونیست شدن می‌دید و دولت قانون امنیت مکاریتی Mccurran Internet Security Act را تصویب کرد و به نیروی امنیت امریکا اجازه داد که به اخراج کمونیست‌ها از محیط کار اقدام کند.

حزب کمونیست در دهه سی با مبارزه علیه جداسازی سیاه پوستان توانست نقش خود را در این دهه مطرح کند. حزب در سال ۱۹۰۰ شصت هزار عضو داشت که شامل آنارشویست‌ها و رادیکال‌های چپ بود. در دهه پنجاه بعد از سخنرانی خروشچف و کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی معروف به (secret speech) موج مکاریتیزم شروع شد و با نفی کمونیسم در امریکا، با قلمداد کردن سندیکالیست‌ها به عنوان مامور خارجی و خیانت توانست بسیاری از اعضای آنان را دستگیر و زندانی کنند. (اولین بار در سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹ مبارزه با کمونیست‌ها صورت گرفت). اعضای حزب در سال ۱۹۵۷ بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر بود که ۱۵۰۰ نفر از آنان کارکنان FBI بودند.^{۶۶} حزب در دهه شصت به مخالفت با جنگ ویتنام برخاست و برای صلح مبارزه کرد و در دوره گورباچف در دهه هشتاد به حزب بسیار کوچکی تبدیل شد.

کارگران صنعتی جهان^{۶۷} (Industrial workers of the world)

این اتحادیه در سال ۱۹۰۵ تاسیس شد و تا سال ۱۹۲۳ با هدف نفی سرمایه و لغو کارمزدی، دمکراسی محیط کار و از پایین، بیشترین نیرو را جذب کرد. بر اثر بحران اقتصادی و بسته شدن کارخانه‌ها و از بین رفتن نهادهای کارگری ۴۰۰۰۰ کارگر بیکار شدند. IWW (کارگران صنعتی جهان) در اوایل دهه ۱۹۰۰ درگیری‌های درونی بسیاری داشت و دبیر اتحادیه را در کنگره ۱۹۰۶ از سمتش برکنار کردند و شرمین را به جای دبیر کل حزب سوسیالیست در کنگره، برگزیدند. وی عضو فدراسیون معادن غرب بود. ارتباط این نهاد با حزب سوسیالیست به رهبری دانیل دلون بحرانی شد و دانیل دلون حتی با داشتن کارت عضویت نتوانست در کنگره ۱۹۰۸ شرکت کند.

این نهاد در سال ۱۹۲۴ به دو گروه تقسیم شد که به سانترالیست‌ها و غیرسانترالیست‌ها معروف بودند. غیرسانترالیست‌ها در سال ۱۹۳۱ از

این نهاد جدا شد، و همچنین از حزب سوسیالیست هم جدا شد. البته این نهاد تا کنون نیز در متشکل کردن کارگران با دستمزد پایین، غیرماهر و مهاجر فعالیت داشته و در حال حاضر نیز در این زمینه فعالیت می‌کند و به فعالیت سیاسی و دخالت مستقیم در سیاست معتقد می‌باشد.

۶۸ حزب کارگران امریکا (American workers party)

این حزب در سال ۱۹۳۳ تاسیس شد و ساختار لنینی و گرایش مارکسیستی داشته است. بخشی از اعضای این حزب را شورای بیکاران تشکیل می‌دادند و بیشترین نیروهای حزب از فعالین کارگران ماشین‌سازی بوده‌اند.

کنگره تشکل کارگران ماهر ۶۹ (CIO(The congress of Industrial-

تشکل فوق در سال ۱۹۲۸ تاسیس شد و معروف به تشکل کارگران فنی در امریکا بود و اعضای آنها از کارگران امریکا و کانادا تشکیل شده بود. CIO از طرف فرانکلین روزولت رییس جمهور امریکا حمایت می‌شد، در دوران اوج رشد حزب دمکرات امریکا طی سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۳ CIO در دهه‌ی سی هم زمان با بحران اقتصادی رشد کرد زمانی که AFL با رکود مواجه شد. این نهاد به خاطر ارتباط داشتن با حزب دمکرات توانست نیروهایی که از AFL خارج می‌شدند دوباره متشکل کند، به ویژه در بخش پوشاک و معادن.

فدراسیون کارگران امریکا – کنگره سازمان‌های صنعتی AFL-CLO

فدراسیون کارگران امریکا و کنگره کارگران صنعتی (AFL-CIO) مرکز اتحادیه‌های کارگری ملی، بزرگترین فدراسیون اتحادیه‌های کارگری در ایالات متحده است که از ادغام دو نهاد کارگری بزرگ امریکا فدراسیون کارگران امریکا و کنگره کارگران صنعتی امریکا در سال ۱۹۵۵ به وجود آمد و در این زمان ۱۵ میلیون عضو داشت و متشکل از پنجاه و هفت اتحادیه ملی و بین‌المللی بود. این اتحادیه، در حقیقت اتحاد اتحادیه‌های کارگری به شمار می‌آید و میان اتحادیه‌های کارگری متعدد هماهنگی ایجاد می‌کند. بیش از یازده میلیون عضو دارد. از سال ۱۹۵۵ تا سال ۲۰۰۵، بررسی‌ها نشان می‌دهد اتحادیه‌های عضو AFL-CIO تقریباً شامل تمام کارگران عضو اتحادیه در ایالات متحده می‌شود. اینکه فدراسیون کارگران امریکا اکنون بیشترین فعالیت خود را حمایت از دمکرات‌ها و در این مسیر از کارگران مهاجر به عنوان ابزار در امریکا حمایت می‌کند روشن است اما ریشه اتحاد هر دو اتحادیه همانگونه که گفته شد برای بهتر شدن زندگی بخش سفید پوست^{۷۰} و اروپایی و حمایت‌اش از مبارزات کارگری مسلط بودن بر این اوضاع است. این فدراسیون در کانادا هم عضو دارد ولی نهادهای کارگری کانادا همیشه استقلال خود را داشته‌اند و عضویت اعضایشان در چهارچوب نیازهای جنبش کارگری کانادا خرج می‌شود و بزرگترین نهاد آن اتحادیه اتومبیل‌سازی بود که در سال ۱۹۸۵ از اتحادیه‌ی اتومبیل‌سازی امریکا جدا شد..

اتحادیه بین‌المللی کارگران خدماتی (SEIU) Service Employees International Union

این اتحادیه به نمایندگی از حدود ۱,۹ میلیون کارگر در بیش از ۱۰۰ شغل در ایالات متحده (از جمله پورتوریکو) کانادا است و برای سازماندهی کارگران در سه بخش متمرکز شده است: مراقبت‌های بهداشتی (بیش از نیمی از اعضا در زمینه مراقبت‌های بهداشتی کار می‌کنند)، از جمله کارکنان بیمارستان، پرستاران در منزل و کارگران خانه سالمندان، خدمات عمومی (کارکنان دولت‌های محلی و ایالتی) و خدمات اموال (از جمله سرایداران، ماموران امنیتی و کارگران خدمات مواد غذایی).

SEIU از نظر افزایش اعضا، سریع‌ترین اتحادیه در حال رشد نیروی کار در ایالات متحده است و بیش از ۱۵۰ شعبه‌ی محلی دارد. شعبه‌ی اصلی SEIU در واشنگتن دی سی است و دارای چندین بخش داخلی است که عبارتند از: ارتباطات، امور دولت، رسانه‌های جدید، سازماندهی، سیاسی، بین‌المللی، مزایا و بازنشستگی، ارتباطات، تحقیقات و حقوقی. در سال ۲۰۰۵ ائتلافی در چند نهاد کارگری فدرالی پدیدار شد که منجر به جدایی آن‌ها از AFL-CLO شد که به نام "فدراسیون تغییر برای پیروز شدن" (Change to Win Federation) معروف است.

این اتحادیه که از ائتلاف سه اتحادیه ((SEIU،IBT)) و (UFCW) United Farm Workers اتحادیه مواد غذایی، اتحادیه کارگران کشاورزی و اتحادیه جهانی بخش خدماتی تشکیل شده بودند در عمل به جایی نرسیدند. تنها توانستند با اتحادیه‌های کارگری چین ارتباط بگیرند. جالب اینجاست که سوییچی رئیس AFL-CLO خودش از اس‌سی‌ای یو می‌آید و نتوانست اتحادیه خودش را قانع به ماندن در AFL-CLO بکند.

تروتسکیزم در آمریکا

یکی از گرایش‌های کارگری در جنبش کارگری آمریکا که بیشترین تشکل آن کشور به این گرایش تعلق دارند، جنبش معروف به تروتسکیزم در آمریکا است. این حزب ریشه در حزب سوسیالیست آمریکا دارد. حزب سوسیالیست آمریکا در سال ۱۹۰۱ تأسیس شد. این حزب در سال ۱۹۰۱ در شهرهای لندن، نیویورک، ویکتوربرگه و میلواکی نماینده داشته است. حتی شهردار میلواکی ((Milwaukee)) از حزب سوسیالیست بوده است. این حزب کاندید ریاست جمهوری داشته است. در سال ۱۹۱۲ نیز ۶ درصد آراء را کسب کرده است. همچنین یوجین دب (Eugene Debs) زمانی که در زندان به سر می‌برد برای ریاست جمهوری کاندید شده و ۵٫۳ درصد رای آورد. البته اعضای این حزب متعلق به جریان کارگران صنعتی جهان نیز بوده اند.

در سال ۱۹۱۹ به دنبال دعوت لنین از این حزب برای شرکت در کمینترن، اولین انشعاب در حزب رخ داد. در سال ۱۹۲۰ پنج نماینده سوسیالیست کنگره آمریکا از کنگره اخراج شدند، گرچه دادگاه رای صادره را رد کرد ولی مجلس بر اساس پروسه سوگند خوردن در انتخابات آنها را از نمایندگی خلع کرد.

این حزب توانست در سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۵ صد هزار عضو کشاورز جذب کند.

هر چند حزب سوسیالیست آمریکا به فعالیت‌هایش ادامه داد، اما هیچ‌گاه نتوانست خود را از فرقه‌گرایی رها کند. در سال ۱۹۳۸ با وجود آمدن حزب کارگران شاخه تروتسکی (Workers Party)، آنها از حزب سوسیالیست آمریکا اخراج شدند. این جریان از سال ۱۹۴۰ به بعد یا در حال انشعاب بود یا در حال اخراج کردن برخی از اعضا.

اکنون ۱۵ جریان تروتسکیست در آمریکا وجود دارد که می‌توان به لیگ بین‌المللی کارگران، حزب چپ، کارگران ملیتنت، لیگ حزب انقلابی، گردش چپ، گرایش سوسیالیستی، عمل کارگری، کارگران سوسیالیست، حزب سوسیالیست آزادی، حزب برای سوسیالیسم؛ گروه بین‌المللی، اسپارک، لیگ کارگران انقلابی، تشکل کارگران سوسیالیستی و سالودریتی و... اشاره کرد.

جریان سالودریتی (سوسیالیست‌های انقلابی) اسم خود را از سالودرنوش لهستان گرفته است. این جریان معتقد به انترناسیونال چهار است و در سال ۲۰۰۸ به حزب سبز رای داد. تئوریسین‌های این جریان نلسون اینستان و کیم سایپرهستند که به گرایش ضد آمریکایی و ضد اتحادیه‌ای تعلق دارند. کتاب بحران در اتحادیه‌های کارگری با حمایت بسیاری از گردانندگان جریانات تروتسکی نوشته شده و دولت آمریکا در تمامی این چند دهه بدش نمی‌آمد حتی به خودش فحش داده شود ولی کسانی در پوشش چپ به جنبش ضد بلوک شرق و ضد سندیکا بپیوندند.

حزب کمونیست انقلابی آمریکا (مائویست)^{۷۱}

حزب کمونیست مائویست آمریکا در سال ۱۹۷۵ تشکیل شد. این حزب شاخه جنبش جوانان انقلابی (RYMLL) موسوم به دانش آموزان برای جامعه دموکراتیک هستند. حزب مزبور در واقع در زمینه انقلاب فرهنگی چین شکل گرفت. گرچه تعدادی از بنیان‌گذاران آن خود را متعلق به چپ نو در دهه شصت و هفتاد می‌دانستند ولی سخنگوی اصلی آنها در دهه هفتاد باب آوکیان بود. این جنبش بیشترین نفوذش در

خارج از امریکاست. تا در داخل امریکا^{۷۲} این تشکیلات در بخش‌های فقیرنشین کالیفرنیا، امریکا در زمینه پروژه خانه سازی فعالیت می‌کنند. بزرگ‌ترین فعالیت آنها که دانشجویان بریگارد جوانان کمونیست بود که در سال ۱۹۸۴ هم زمان با کنگره جمهوریخواهان در شهر دالاس پرچم امریکا را به آتش کشیدند.

نهاد لیبرنت (Labornotes)

۷۳ - این نهاد که از بدنه جنبش اتحادیه‌ای می‌آید از اوایل دهه ۱۹۷۰ تشکیل شد. این نهاد با تشکیل کنفرانس‌های سالانه، کارگاه‌های آموزشی و چاپ کتاب و مقالات در جنبش کارگری امریکا فعالیت می‌کند. این نهاد که بنیانگذاران آن از اتحادیه اتومبیل‌سازی هستند، نیروی خود را نه بر نفی سندیکا بلکه کمک و هدایت برای رفتن به راه صحیح جنبش کارگری می‌گذارند در تاریخ ۶ تا ۸ آوریل امسال نشست آنها در شهر شیکاگو بود که بیش از دوهزار فعال و نماینده کارگری در آن شرکت داشتند دلیل انتخاب شیکاگو هم بر این اساس بود که نماینده دمکرات‌ها "رهم ایمنول" شهردار این شهر حتی خیابان‌ها را هم می‌خواهد خصوصی کند و از یک بی‌رحمی خاصی برخوردار است. البته ایشان مسئول مالی کمپین انتخاباتی اوپاما هم بوده است.^{۷۴}

البته باید گفت که خود اوپاما هم در این شهر زندگی کرده و وکالت بسیاری از سیاهان و بیکاران را هم انجام می‌داده است.^{۷۵}

روابط بین‌المللی جنبش کارگری امریکا

زمانی که چرچیل، روزولت و استالین در حال مذاکره و مبارزه با فاشیسم بودند (یک نوامبر ۱۹۴۳ در تهران و ۱۹۴۵ در یلتز روسیه)، نهادهای کارگری امریکا و شوروی نیز در حال رایزنی و بررسی کار مشترک بودند.

بر این اساس بود که در سال ۱۹۴۵ فدراسیون تمام کارگران روسیه در نشست خود در مسکو با فدراسیون کارگران ای اف ال به توافقاتی رسید و براساس همین توافقات نمایندگان فدراسیون کارگران روسیه به امریکا سفر کردند. در نشست مسکو نماینده کارگران امریکا سیدنی هیلمن و نماینده شوروی واسیلی کوزنتسو بودند.^{۷۶}

این کار مشترک که بر اساس ساختن نهاد بین‌المللی کارگری بود، در چارچوب فعالیت‌های فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری معروف به دبلیو تی اف است.

هم زمان با شکست نازی‌ها و فاشیست‌ها در ماه می ۱۹۴۵، نمایندگان کارگری کشورهای بسیاری از جمله امریکا، انگلیس و شوروی اولین طرح ساختن فدراسیون جهانی را تنظیم کردند و در بیست و پنج سپتامبر تا هشت اکتبر ۱۹۴۵ کنگره موسس تاسیس شد.

نمایندگان کلیه کشورهای صنعتی از نیوزیلند تا امریکا و کشورهای اسکانندیناوی و اروپایی و افریقایی و آسیایی در آن کنگره شرکت داشتند: ۳۵۰ نماینده از پنجاه و شش کشور یعنی نمایندگان ۶۶ میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر از سراسر جهان. فقط نمایندگان آلمان و ژاپن در این نشست حضور نداشتند.

در سال ۱۹۴۵ در ابتدای کشاکش تشکیل دبلیو تی اف و ساخته شدن جنبش جدید بین‌المللی کارگری بسیاری از اعضای جدید فدراسیون کشورهای مستعمره، نیمه مستعمره بودند. برای فدراسیون انگلیسی تی یو سی سخت بود که بتواند خود را از زیر ضرب قرار گرفتن توسط اتحادیه‌ها برهاند که از دل جنگ جهانی دوم متولد شده و اعضایشان از پارتیزانان و کمونیست‌ها بودند. در این جلسات شوروی در جناح

چپ و فدراسیون انگلیسی در جناح راست قرار داشتند. فدراسیون‌های امریکایی در میانه سعی می‌کردند این دو جناح را در کنار هم قرار دهد و جلسات را به سمت جنبش کارگری متمرکز کنند.^{۷۷}

در تمام دوران جنگ سرد، جنبش کارگری امریکا به نوعی ابزار و حامی فعالیت‌های دولت امریکا^{۷۸} بوده است. هر چند این جنبش هیچ‌گاه یک دست نشاند ولی IFL-CIO در زمان جنگ ویتنام مدافع سیاست‌های دولت امریکا بود.^{۷۹}

سال ۱۹۸۵ در پانزدهمین کنگره دوسالانه‌ای IFL-CIO، برای اولین بار بعد از تاسیس این نهاد در دهه چهل، قطعنامه‌ای بین‌المللی به بحث گذاشته شد که در آن از دولت امریکا برای مداخله نظامی در السالوادور و نیکاراگوئه حمایت می‌کرد. این قطعنامه که بحث بسیاری را دامن زد. رئیس اتحادیه کارکنان بیمارستان گفت: به نظرم این جنبش کارگری نمی‌خواهد از بیست سال گذشته درس بگیرد، شرم بر ما باد که در جنگ ویتنام شرکت کردیم و سیاهی لشکر نیروی نظامی بودیم.^{۸۰}

بن گولد رئیس اتحادیه چرم‌سازی در خاطراتش می‌نویسد: "در کنگره CIO در سال ۱۹۴۶ رئیس اتحادیه خودروسازی جلسه‌ای با رئیس اتحادیه فولاد گذاشته بود تا تکلیف کمونیست‌ها را در کنگره روشن کنند. در این جلسه من را محاکمه کردند که من کمونیست هستم و اعضای کمونیست باید از اتحادیه‌ها اخراج شوند. این کنگره قطعنامه‌ای مبنی بر ضد توتالیتار بودن جنبش کارگری را تصویب کرد. بعدها بر مبنای این قطعنامه با کمونیست‌ها برخورد حذفی صورت می‌گرفت.^{۸۱}

در سال 1955 جورج مینی رئیس IFL-CIO شد. او که تا سال ۱۹۷۹ در همین سمت باقی ماند، تفاوتی با دیگر هم‌نسل‌هایش نداشت. او قبلاً رئیس ILF بود و شدیداً مدافع جنایات امریکا در ویتنام بود.^{۸۲}

لانی کیرکمن رئیس IFL-CIO که از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۹۵ بیشترین فعالیت ضد کمونیستی را در داخل جنبش کارگری دامن زد. او کسی بود که شش میلیون دلار به لخ والسا در دوره جنبش سالودرنوش کمک کرد.^{۸۳} ایشان طرفدار سرسخت هنری کسینجر بود و مدافع سرسخت برخورد با کوبا و سیاست شوروی در کوبا بود. همچنین گفته می‌شود کیرکمن بیشترین خدمت را برای شکست جنبش کمونیستی در امریکای لاتین و در زمینه ایران کنترا به ریگان انجام داده است.^{۸۴}

در دو دهه گذشته با اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و جهانی سازی در سطح جهان، سیاست‌های اتحادیه‌های کارگری در امریکا نیز تغییر کرد. این تغییرات را در دو بخش خارجی و داخلی می‌توان مورد بررسی قرار داد و اتحادیه‌های کارگری امریکا دیگر از محل عضویت اعضا کمکی به فعالیت‌های خارجی خود نمی‌کنند و با گرفتن کمک از بخش خارجی وزارت خارجه می‌خواهند فعالیت‌هایشان را پیش ببرند و کلاً بخش خارجی خود را از سال ۱۹۹۷ از بخش داخلی جدا کردند که جوابگویی به اعضا را نفی می‌کند.^{۸۵}

مرکز همبستگی^{۸۶} نیز در همان راستا به فعالیت مشغول شد که شاید در امریکای لاتین نتوانست شانس برای فعالیت‌هایش داشته باشد ولی بیشترین فعالیتش در کشورهای عرب زبان بود که در عراق^{۸۷} و مصر اوج فعالیت‌هایش دیده می‌شود و اینکه نزدیکی بسیاری با جریان‌های اصلاح‌طلب ایرانی و جریان‌های دانشجویی مانند دفتر تحکیم وحدت دارند که در چند سال گذشته فعالیت کرده‌اند و تاکتیک‌هایشان همراه با چهره کردن افراد بوده تا آنکه از این چهره‌ها بتوانند بهره برداری سیاسی کوتاه مدت بکنند. آنها در دوران خاتمی بسیار فعال بودند و حتی یکی از مشاوران سابق زن دفتر ریاست جمهوری به نام فرزانه داوری را استخدام کردند تا با جنبش کارگری ارتباط برقرار کنند و همچنین سمیناری با نام بهار عربی در ترکیه به راه انداختند و بر خی فعالان کارگری را در آن دعوت کردند تا از آن طریق سیاست‌های خود را به پیش ببرند که البته با هوشیاری فعالان کارگری در ایران ناموفق بودند.

این مساله جای بحث بیشتر دارد که در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

تاکتیک‌های نوین در جنبش کارگری

جنبش اتحادیه‌ای در امریکا چه به لحاظ متشکل کردن در سطح کف محیط کار و چه به خاطر قوانین موجود کار امریکا طی سی سال گذشته در شرایط فلج کننده‌ای قرار گرفته نه می‌تواند نیروی جدید را متشکل کند و نه می‌تواند نیرویی را که از لحاظ کمی نیاز دارد به عنوان اعضا حفظ کند. قوانین ضد کارگری "داشتن حق کار"^{۸۸} در عمل حتی دادن حق عضویت کارگران را تا حد زیادی از بین برده و در بسیاری از محیط‌های کار گاه تا ۹۰ درصد اعضا عضویت خود را نمی‌پردازند.^{۸۹}

دلیل اصلی را در بخش‌های متفاوت تا حدودی توضیح دادیم، به علاوه این آگاهی اجتماعی وجود ندارد و به قول گرامشی پیوند عمیقی میان کارخان‌دار و کارگر وجود دارد. همانند پیونده میان عنکبوت و مگس است وقتی که مگس گرفتار شده است. (سرمایه داری و آگاهی طبقاتی-کریس نینهام)

پس سندیکاهای کارگری مجبور شده‌اند به جای وقت گذاشتن برای آگاه کردن کارگران، از تاکتیک‌های دیگری برای پیوند به اتحادیه‌ها استفاده کنند تا بتوانند از ریزش اعضا جلوگیری کنند. یکی از شیوه‌های جدید عضوگیری از اعضای غیر کارگر خارج از محیط کار^{۹۰} و کمک‌گیری از آنها برای تغییر قانون کار و شرکت در انتخابات‌های سیاسی و دادن معهود امکاناتی برای پیدا کردن کار و بیمه‌های درمانی است - و تاکتیک دیگر اینکه بسیاری از اتحادیه در حال ادغام شدن با هم می‌باشند.^{۹۱}

عضوگیری جدید سندیکایی

در زمینه جذب نیروی کارگری در اتحادیه شیوه جدیدی به کار گرفته شده که به بازی دامینو مشهور است (این بازی بر این اساس است که مهره‌ها را پشت سر هم قرار می‌دهند و به محض اینکه اولین مهره بر روی مهره بعدی بیافتد دیگر مهره‌ها هم بدنبالش می‌افتند)

این شیوه بر اساس رفتن در یک بخش و جذب کارگران و به صورت بسیار مخفی است به گونه ای که حتی نزدیکترین کارگران هم از همکاری یکدیگر بی اطلاعند می‌باشند و به محض اینکه هفتاد درصد کارگران کارت عضویت را امضا کردند، در یک جلسه بزرگتر فقط مسئولین قسمت‌ها می‌آیند و آنجاست که می‌فهمند که عضو شده‌اند. بر این اساس این نوع عضوگیری را "کارت چک" می‌گویند و در همان زمان روی سهامداران همان بنگاه کار می‌کنند. یعنی از دو طرف فشار می‌آورند تا هیات مدیره اتحادیه شدن کارگران را بپذیرد.^{۹۲} به عنوان مثال در بخش هتلداری، گاه یکسال طول می‌کشد و به محض آن که در یک هتل مثل شرایتون کارفرما بپذیرد به طور اتوماتیک دیگر هتل‌ها در عرض چند هفته به عضویت اتحادیه در می‌آیند. در یک سال گذشته اتحادیه هتلداران توانسته بسیاری از کارکنان بخش هتلداری شهرهای بزرگ امریکا را به عضویت خود آورد. این تاکتیک گاه تا چهار سال طول می‌کشد.

در چند سال گذشته رشد بخش رستوران و هتلداری و کازینو بر این اساس بوده است که اتحادیه با طرح بالا بردن حداقل دستمزد به ساعتی ۱۵ دلار توانسته است تظاهرات و اعتصابات خودجوشی را دامن بزند.^{۹۳} این تاکتیک شاید در کوتاه مدت جواب ندهد ولی می‌تواند گاه تا یک میلیون کارگر بخش مواد غذایی آماده مانند مک دونالد و فروشگاه‌های سی رز، فروشگاه‌های لباس می‌سبیز و وال مارت را به دنبال افزایش دستمزد بکشد.

البته باید گفت اکثر این فعالان متشکل کننده این دوره جوانانی هستند که از دل مبارزات جنبش وال استریت بیرون آمده‌اند و بخش دیگری از فعالان جنبش وال استریت به جنبش پس گرفتن خانه‌های مصادره شده توسط بانک‌های امریکا پیوسته‌اند.^{۹۴} بعد از بحران اقتصادی

۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ ده میلیون خانه‌ی مصادره شده وجود دارد. بخش عمده این ورشکستگان را سیاهپوستان و مهاجرین لاتین و آسیائی‌ها تشکیل می‌دهند.

این جوانان با تاکتیک‌های بسیار مناسب به تعبیت از جنبش مدنی ۱۹۶۸ افریقایی‌های امریکائی بر سر درگیری برای داشتن خانه به دور از راسیسم تشکیل شده است. بر اساس منابع اطلاعاتی خزانه داری امریکا، بانک‌های امریکا ۱۹,۲^{۹۵} تریلیون مال مردم را هدر داده‌اند (بحران قرض دادن بانک‌ها در سال ۲۰۰۸) و میلیون‌ها امریکایی را به فقر و بی‌خانمانی کشانده‌اند.

این جوانان با تحقیق و برگزاری جلسات در مناطقی که مردم خانه‌هایشان را از دست داده‌اند می‌روند و با متشکل کردن آنها می‌خواهند جنبش برگرداندن خانه به صاحب خانه را بوجود آورند و این جوانان حتی با تاسیس آشپزخانه‌ها به جلوگیری از تخلیه بیشتر خانه‌ها می‌پردازند.^{۹۶}

جنبش‌های اجتماعی به موازات جنبش کارگری امریکا

جنبش وال استریت و بسیاری دیگر از تظاهرات صورت گرفته اغلب ریشه‌های عمیق در جنبش‌های اعتراضی ضد جهانی سازی می‌رسد که سابقه‌ی آنها به اعتراضات سیاتل در سال ۱۹۹۹ و جنوا در سال ۲۰۰۱ باز می‌گردد. سرمایه‌داری معاصر در شکل نئولیبرالیستی‌اش از دهه ۷۰ به این سو، به‌ویژه پس از کودتای خونبار شیلی که به سرنگونی دولت دمکراتیک سالوادور آلنده منجر شد، این سیاست‌ها را در صحنه بین‌المللی بی‌شمارانه به پیش می‌برد. نئولیبرالیسم مجموعه مشخصی از برنامه‌های اقتصادی دولت‌های غربی و موسسات مالی بین‌المللی سرمایه‌داری است که به عینه دیدگاه‌های نئولیبرالیسم و نهادها اقتصادی را می‌توان در مدافعان وطنی ما از نظام بازار آزاد مشاهده کرد.

میتینگ سازمان تجارت جهانی (WTO) و اعتراض به آن از سوی نیروهای مترقی و کارگری به بخشی از فرهنگ مبارزاتی مردم امریکا و کانادا تبدیل شده که از سال ۱۹۹۲ تا اوایل دهه ۲۰۰۰ مرتب در آمریکا برگزار شده است. این تظاهرات توده‌ای بود اما تظاهرات سیاتل از گونه دیگری بود. در آن از اتحادیه‌های کارگری تا نیروهای چپ، دانشجویی و مهاجرین شرکت داشتند. در تظاهرات اعتراضات قبلی در آمریکای شمالی این نیروها به چشم نمی‌خوردند - به‌ویژه در آمریکا. تا آن زمان کیفیت و ماهیت اعتراضات و تظاهرات به گونه ای بود که مقامات را موقتا برای یک روز وادار به عقب نشینی کرد، اما روز بعد نیروی نظامی با جمعیت انبوه ۷۰ هزار نفری مقابله برخاست و با استفاده از نیروی پلیس، اعمال خشونت، استفاده از گاز اشک‌آور، باتوم و ضرب و شتم دستگیری هزاران نفر خاتمه یافت. اما در سیاتل این اعتراضات چند روز ادامه داشت که نشان از رادیکالیزه شدن اعتراضات ضد نظام سرمایه‌داری بود.

نتیجه گیری

اخیرا با روی کار آمدن يك دولت تقریبا نئولیبرال در ایران و ارائه برنامه‌های تکیه بر بازار آزاد و با اندکی گشاده‌نظری بیشتر نسبت به دولت قبلی در مورد دعوت از سرمایه‌های بین‌المللی، جناح‌های مختلف سرمایه‌داری از آن استقبال کرده‌اند. این جناح‌ها که در داخل شامل اصلاح‌طلبان و طرفداران پرو پا قرص بازار آزاد و هم‌چنین سلطنت‌طلبان گذشته و تابلوهای رنگارنگ طرفداران بازار آزاد سرمایه‌داری می‌شوند، خواهان آن هستند که با رفع تحریم‌ها بتوانند در زمینه‌های مختلف از شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری دعوت کنند تا سرمایه‌هایشان را به ایران بیاورند و با مشارکت سرمایه‌های داخلی زمینه‌ای را به قول خودشان برای رونق اقتصادی فراهم کنند. در این زمینه بلندگوهای سرمایه داری، شبکه‌های خبری و تبلیغاتی نظام جهانی سرمایه با آب و تاب فراوانی، آینده‌ای را نوید می‌دهند که در آن سرمایه‌گذاران بتوانند در همه‌ی زمینه‌ها سرمایه خود را به کار ببندازند، از محدودیت‌ها و قوانین دست و پا گیر حکومتی آزاد باشند و به

هر ترتیب که می‌خواهند به چپاول و غارتگری بپردازند و با این شعار که ایجاد اشتغال کنند و رونق اقتصادی به راه بیندازند و کشور ایران را همانند کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به بهشت برین تبدیل کنند.....

خراب کاری‌ها، تنگ نظری‌ها، برخوردهای انحصارگرانه و سرکوب گرانه دولت قبلی، همراه با راه اندازی کهریزک‌ها و کشتارهای خیابانی و بگپرو بیندها، آن چنان عرصه را بر مردم تنگ کرده بود که هر کسی به دنبال فرجامی برای رهایی از آن جهنم بود، در این میان هستند خوش یاورانی در میان مردم که گمان بر آن دارند با رفع تحریم‌ها و گشایش سرمایه گذاری‌های شرکت‌های بزرگ رونق اقتصادی بتواند این بار گران را از دوش مردم تحت ستم بردارد و به قولی کسب و کار را رونق دهد و اشتغال ایجاد کند و در حقیقت آبی از دست سرمایه داران بچکد و نصیب کارگران و زحمتکشان شود.....

نظام سرمایه‌داری که مهره‌های خود را آن چنان چیده است که گزینه‌های مردم در این زمینه‌ها محدود باشد، یا بنیادگرایی را بپذیرند یا نظام بازار آزاد را، محکم و دل استوار از این که به هر ترتیب که باشد باز هم به نفع آن‌هاست از هر تغییری در چهارچوب حفظ استثمار و بهره کشی از نیروی کار استقبال می‌کند و هر يك که به بن بست رسید آن دیگری را جایگزین آن می‌کند تا چند صباحی دیگر با خیال راحت بر اریکه قدرت بماند و سودهای کلان خود را حفظ کند.

از آن میان برخی ساده‌اندیشان که در میان آن‌ها کارگران و زحمت کشان نیز وجود دارند تحت تاثیر تبلیغات رسانه‌ای مهندسی شده بر این توهم‌اند که با دست به دست شدن این قدرت وضعیت بهتر خواهد شد و از این رو از فکر چاره اندیشی اساسی برای دگرگونی نظام سودمحور بیرون می‌آیند و امیدی واهی به تغییرات اندک چند صباحی آنان را دل خوش می‌کند تا آن که دریابند هیچ تغییری حاصل نشده بلکه این دست به دست شدن قدرت تنها سیستم بهره‌کشی را استوارتر کرده است از این رو است که بررسی وضعیت مبارزه طبقاتی در کشورهای دیگری که گاه آن‌ها را بهشت روی زمین قلمداد می‌کنند و ساده‌دلان را به رسیدن به آن وعده می‌دهند، ارزش آن را دارد تا با درس گرفتن از تجربه مبارزات کارگران و زحمت کشان سایر کشورها، تجربه این مبارزات را سرلوحه خود قرار دهیم، تا آن که از چاله درآمده به چاه نیافتیم.....

¹ <http://mrzine.monthlyreview.org/2009/jacobs160609p.html>

² <http://dissentvoice.org/2009/07/keep-your-eyes-on-the-prize-protest-us-aggression/>

³ جریان كيك و كلید در سال ۱۳۶۴ مربوط به مسافرت هیات آمریکایی به سر پرستی مك فارلین رئیس دفتر رئیس جمهوری آمریکا به صورت مخفیانه به ایران است. که در آن زمان بحث های زیادی را به راه انداخت. زیرا در اوج شعارهای ضد آمریکایی دولت ایران روابط مخفی و حسنه دو کشور را بر ملا می‌کرد. این جریان که با آشکار شدن آن در گیری های زیادی را در میان هیات حاکمه دو کشور به وجود آورد در انتها منجر به کنارگیری جانشینی رهبری در ایران و به درگیری‌هایی در درون هیات حاکمه آمریکا به نام ایران کنترا شد.

^۴ <http://bamdadi.files.wordpress.com/2011/10/letter-to-president-obama-about-libya-sign-libya-appeal.pdf>

http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/domestic_and_foreign_policy_challenges_of_the_new_iranian_president_hassan_rouhani_0.pdf

⁶ http://www.niacouncil.org/site/PageServer?pagename=Resources_conference_reports

⁷ <https://www.opensecrets.org/bigpicture/>

⁸ <http://trs.sagepub.com/content/16/3/369.abstract>
<http://monthlyreview.org/2009/02/01/a-radical-vision-for-todays-labor-movement>
<http://mrzine.monthlyreview.org/2011/labotz180211.html>

¹⁰ http://www.nytimes.com/2007/04/16/us/16cnd-shooting.html?pagewanted=all&_r=0

¹¹ <http://qz.com/134064/the-industrial-revolution-destroyed-the-link-between-hours-worked-and-wealth-so-why-are-we-still-working-so-much/>

¹² http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/10/131016_139_us_budget_deal.shtml

¹³ http://www.fourwinds10.net/siterun_data/government/war/news.php?q=1319562351

¹⁴ http://www.indiana.edu/~rccpb/Working_Paper/Zhang_Auto%20Industry_RCCPB_WP3_Aug_2010.pdf

¹⁵ <http://cdclv.unlv.edu/healthnv/labor.html>

¹⁶ <http://naghd.info/>

برای بررسی مفهوم کار مولد و نامولد به مقاله ش والا منش روجوع شود. نقد شماره ۱۳

¹⁷ <http://www.nrtw.org/d/rtwempl.htm>

¹⁸ http://en.wikipedia.org/wiki/Right-to-work_law

¹⁹ <http://feww.wordpress.com/tag/pentagon-budget/>

²⁰ <http://feww.wordpress.com/tag/pentagon-budget/>

²¹ http://en.wikipedia.org/wiki/1992_Los_Angeles_riots

22

چند نکته پیرامون دولت ریگان- آغازی نو شماره ۲ ناصر مهاجر
" ریگان معتقد است که از همان حکومت فرانکلین روزولت یعنی دوران بحران اقتصادی دهه سی، قوانین مدنی و قضایی امریکا تحت فشار کمونیست‌ها و طرفداران لیبرال‌ها " دولت رفاه" به سمت چپ میل کرده ... انتصاب انتصاب ادوین مس در همین روال بوده "

²³ <http://ir.mondediplo.com/article1001.html>

²⁴ <http://www.solidarity-us.org/site/node/2968>

²⁵ <http://www.solidarity-us.org/site/node/2968>

²⁶ <http://www.k-en.com/>

فریدریش انگلس : جنبش کارگری در آمریکا - پیشگفتار بر چاپ آمریکایی "وضع طبقه کارگر در انگلستان

²⁷ <http://iantyrrell.wordpress.com/papers-and-comments/>

28

جنبش وال استریت که الهام گرفته از بهار عربی بود نشان داد که نسخه های بنیادهای راکفلر و اوقاف ملی فقط مصرف خارجی دارد به محضی که به خود آمریکا برسد در کمتر از چند هفته سرکوب می‌شود. چند فاکتور در آن نقش اساسی داشت که چقدر جنبش سیاسی خام است و افراد فرصت طلب و پست مارکسیست‌های دیروز مانند ژیزاک ، نیگرو و ریچارد ولف انقلابی شدند.

<https://www.youtube.com/watch?v=eu9BWlcRwPQ>

<http://www.theguardian.com/commentisfree/cifamerica/2011/oct/04/occupy-wall-street-new-york>

این موضوع که بخش عمده حمایت از این جنبش را اتحادیه های کارگری می کردند برکسی پوشیده نیست و بر همین اساس فاکس نیوزو جریانات راست این جنبش را کمونیستی می خوانند تا مردم را مرعوب کنند.

<http://www.seiu.org/2011/10/seiu-supports-occupywallstreet.php>

بهترین تحلیل به این حرکت توسط جریان نقد سرخ شده است و در مطالب گوناگون خودشان نشان داده اند که چگونه جریانات راست با نظر و عملشان، پوشش و پوسته بورژوازی می خواستند عمل اجتماعی مردم را از حرکت باز دارند

<http://redcritique.org/WinterSpring2012/isoccupywallstreetcommunist.htm>

²⁹ <http://iranian.com/main/blog/lily-samimi/niacs-2012-leadership-conference-meet-noam-chomsky-maziar-bahari-high-level-officia.html>

³⁰ <http://filipspagnoli.wordpress.com/stats-on-human-rights/statistics-on-freedom/statistics-on-prisoner-population-rates/>

³¹ <http://amanpour.blogs.cnn.com/2013/05/09/combating-sexual-assault-in-the-military/>

³² <http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Prisoners>

³³ http://en.wikipedia.org/wiki/1619_Jamestown_Polish_craftsmen_strike

³⁴ http://en.wikipedia.org/wiki/History_of_slavery_in_Maryland

³⁵ http://en.wikipedia.org/wiki/Labor_history_of_the_United_States

³⁶ 1386 ویروس لیبرال - اثر سمیرامین - ترجمه ناصر زرافشان - نشر آزاد مهر چاپ اول

³⁷ http://en.wikipedia.org/wiki/Native_Americans_in_the_United_States

³⁸ Josiah Lambert, 2005, Cornell university press, The right to

strike and American political development

³⁹ Kim Voss, The making of American exceptionalism , The Knights of Labor

⁴⁰ Robert Bruce 1959 , 1877 year of violence

⁴¹ Robin Archer , 2007 , Why is there no labor party in the united state? Princeton university press

⁴² Stephen Norwood 2002 Strike breaking

⁴³ Stephen Norwood 2002 Strike breaking

سال ۲۰۱۴ مصادف است با صدمین سالگرد قانون افزایش دستمزد هنری فورد در کارخانه فورد . منظور اصلی فورد با پرداخت اضافه حقوق یعنی افزایش فروش محصولات تولیدی خود به کارگران شاغل در کارخانجات مزبور می باشد. در سال ۱۹۱۴ فورد حقوق کارگران خود را به ۵ دلار در روز افزایش داد تا کارگران را تشویق به خرید اتومبیل های فورد نماید، یعنی تولید بیشتر به منظور کسب سود بیشتر و یک مصرف کاذب. اکنون کارگران امریکای شمالی از همان تزی برای جلوگیری از کاهش دستمزدشان استفاده می کنند غافل از این که رقابت بین انحصارات جهانی و ارتش کارگران ارزان در کشورهایمانند چین، کره و مکزیک کارگر امریکایی را وادار می کند از رویای طلایی کارگر امریکایی دهه پنجاه که پنجاه درصد تولیدات تکنولوژی جهانی را تولید می کرد و منجر به بهتر شدن رفاه کارگران شد از سر به در کنند و برای جلوگیری از کاهش دستمزد کارگران کارخانه های اتومبیل سازی نیازمند استفاده از تاکتیک جدیدی می باشد. امروز کارگر متشکل امریکایی نمی پذیرد برای بیشتر شدن دستمزد یا حفظ همین سطح دستمزد باید به بهتر شدن زندگی کارگران ماشین سازی دیگر کشورها فارغ از منافع کشور خودش تلاش کند.

⁴⁴ Sames Weinstein – Corporate ideal in the liberal state-1968 – Boston –Beacon press

⁴⁵ Peter Swenson – Capitalists against Market (2002) oxford press

⁴⁶ John Commons – 1934 Myself , New York– Macmillan

⁴⁷ Daniel Nelson , Shifting furtune : The rise and decline of American labor from 1820 to the present .Chicago 1997.

⁴⁸ Zieger , Robart & Gilbert Gall -2002- American workers ,American unions : Thrid edition Baltimore: Johns Hopkins university press

⁴⁹ Alber Shenkel 1995- The richmant kingdom: John D Rockefeller Ir Fortress press

50 <http://carnegieendowment.org/>
51 <http://vi.uh.edu/pages/buzzmat/DH%20articles/battista.pdf>
52 <http://www.freedomhouse.org/content/our-history>
53 <http://www.fesdc.org/>
54 <http://www.ned.org/about/history>
55 <http://www.ndi.org/whoweare>
56 <http://www.cartercenter.org/about/index.html>
57 <http://www.opensocietyfoundations.org/>
58 http://en.wikipedia.org/wiki/Ludlow_Massacre
59 The new deal and the problem of Monopoly - [Ellis Wayne Hawley](#) – 1966
60 http://en.wikipedia.org/wiki/Congress_of_Industrial_Organizations
61 Gerald Zilg 1974 , Dupont , Behind nylon curtain Englowd Printece Hall

62 http://en.wikipedia.org/wiki/Labor_Management_Relations_Act_of_1947

63 <http://en.wikipedia.org/wiki/McCarthyism>

64 http://en.wikipedia.org/wiki/American_Federation_of_Labor

65 <http://www.historyorb.com/events/date/1905>

66 http://en.wikipedia.org/wiki/I_Was_a_Communist_for_the_FBI

67 <http://www.iww.org/>

68 http://en.wikipedia.org/wiki/Workers_Party_of_America

69 http://en.wikipedia.org/wiki/Congress_of_Industrial_Organizations

70

مایکل مور مستند ساز امریکای در چند سال گذشته خواسته این رویای امریکای را نشان دهد که یک کارگر ماشین سازی با یک درآمد متوسط در دهه شصت می‌توانسته خرج چند نفر را بدهد ولی در کتاب این احمق سفید پوست می‌خواهد نشان دهد که بوش مقصر است تا واقعاً به این سیستم سرمایه داری نقدی داشته باشد

http://en.wikipedia.org/wiki/Stupid_White_Men...and_Other_Sorry_Excuses_for_the_State_of_the_Nation!

70 http://en.wikipedia.org/wiki/Congress_of_Industrial_Organizations

71 http://en.wikipedia.org/wiki/Revolutionary_Communist_Party,_USA

72 http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2013/07/blog-post_16.html

،مقاله نیپال نوشته خاتم هاله صفرزاده به سیاست‌های آنها در عرصه چپ در کشورهای پیرامونی پرداخته و در بخش سالودریتی سنتر به تعدادی از بنیان گذاران آن اشاره شده است.

73 <http://www.labornotes.org>

74 http://en.wikipedia.org/wiki/Rahm_Emanuel

^{۷۰} http://en.wikipedia.org/wiki/Barack_Obama_presidential_campaign,_2012

76 http://carnegieendowment.org/?gclid=CMiw7dTtLoCFSgSMwodoBkAyQ#/slide_502_georgia-surprises-ahead

77 http://archive.org/stream/reportofciodeleg00cong/reportofciodeleg00cong_djvu.txt

از انجایی که سرمایه برای تداوم حیاتش همیشه نیاز به جنگ و نا امنی دارد و رشد همبستگی کارگری خطری برای آنها به شمار می‌رفت در تاریخ 26 ژوئن 1945 بمب افکن های امریکایی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی را بمباران کردند و شوروی با حمله به ژاپن و تسخیر کشورهای کره شمالی و جنوبی و از طرف دیگر اشغال کشورهای افریقایی توسط انگلیس و تقسیم جهان به دو قطب ما شاهد از هم پاشیدن تدریجی این همبستگی ها و قطبهای جدید دیگری در عرصه کارگری بوده و هستیم.

⁷⁹ Cold War Against Labour Volum 1 Page 198

⁸⁰ http://www.press.umich.edu/143467/between_a_river_and_a_mountain

⁸¹ Cold War Against Labour Volume 2 Page 848

⁸² Cold War Against Labour Volume 1 Page 236

⁸³ http://en.wikipedia.org/wiki/George_Meany

⁸⁴ <http://www.aflcio.org/About/Our-History/Key-People-in-Labor-History/Lane-Kirkland-1922-1999>

مقاله تحلیلی در رابطه با جنگ سرد و سیاست خارجی ای اف ال - سی ای او، اندرو باتیستا

85

در سال ۲۰۱۲ دولت روسیه همانند قانون منع گرفتن کمک مالی از نهادها یا دولت‌ها در آمریکا را وضع کرد که بسیاری از نهادهای رسانه‌های غربی صدایشان در آمد

فارغ از اینکه این قانون کپی قانون کشور آمریکا است

<http://www.icnl.org/research/monitor/russia.html>

8686

⁸⁶ <http://www.solidaritycenter.org/>

در رابطه با سیاست‌های ای اف ال- سی ای او در دوره بعد از 1997 در بخش سالیدریتی سنتر می‌توان به مقالات جنبش کارگری عراق (علی ثقفی) و در مصر (دانشجویان مدافع حقوق کارگر) و مکزیک (هاله صفرزاده) رجوع کرد و در مقالات آنها نیز این خطوط دیده می‌شود. امروز جنبش بین المللی آمریکا خودش را در جنبش ضدجنگ نشان می‌دهد و در داخل سالیدریتی سنتر هستند. این جنبش با تمام ادعای ضد جنگی‌اش هنوز نتوانسته ضد اسرائیل و سیاست آن کشور را در رابطه با فلسطین محکوم کند و هنوز هم در سطح ای ال او تنها همراه اسرائیل است زیرا هنوز هم روشنفکران آمریکا خود از تبار یهودی می‌آیند. رجوع شود به مطلب فرزانه اکبری

<http://peykeiran.com/Content.aspx?ID=67817>

اوج و سقوط فعالیت سالیدریتی سنتر در مصر به نمایش گذاشته شد. کشوری که شاید در بهترین حالت می‌توانست به نقطه اتکای برای جنبش کارگری کشورهای عرب باشد در عرض دو سال از دفاع از کارگران محله رسید به دفاع از سیسی. این رشد و سقوط محصول حمایت‌های بی چون و چرای سالیدریتی سنتر بود که چه در ای ال او و چه در خود مصر به چتر حمایتی از جوانانی تبدیل شده بود که می‌خواستند یکشنبه ره صد ساله را ببیمایند و به **جاه و مقام** برسند.

<http://www.azadi-b.com/arshiw/?p=34965>

زمانی که بارک اوباما در سال 2010 باربارا شیلر مسئول مرکز همبستگی آمریکا را به ریاست ارتباط خارجی کار دولت آمریکا برگزید

<http://www.state.gov/r/pa/ei/biog/145697.htm>

روزنامه وال استریت در مقاله‌ای بسیار طولانی از طرف جمهوریخواهان این ریاست را زیر سؤال برد و اعلام کرد چگونه دولت آمریکا یک تروریست و کمونیست را به این مقام ارتقا داده است؟

<http://www.wnd.com/2010/10/211165>

شیلر شخصی که به همراه همسرش از بنیانگذاران انجمن دمکراتیک دانشجویی د سال 1965 هستند. انجمنی که در بمب گذاری ساختمان‌های دولتی در همان سال‌ها فعالیت می‌کردند و بسیاری از **تظاهرات‌های دولتی تا سال 1969 علیه دولت بر عهده ایشان بوده است.** تا سال 1970 از ندگی مخفی داشته‌اند

و حتی در دادگاه‌اش شرکت نکرد. همسر ایشان باب بروسیج Bob Borosage در بمب‌گذاری‌های ساختمان‌های دولتی در سالهای 71، 72، 75 نقش داشته است.

در همان زمان نشریات طرفدار اسرائیل اوباما را سرزنش می‌کردند که کسی را که طرفدار فلسطین است و به پناهندگان فلسطینی حمایت می‌دهد را به این شغل ارتقا داده است

[/http://www.jewishpress.com/tag/u-s/page/51](http://www.jewishpress.com/tag/u-s/page/51)

یکی از کسانی که با شیلر در تمام این سال‌ها همراه بوده است بیل فلیچر ا بنیانگذاران جریان‌های مائویست آمریکا بوده است. اینکه انتقادهای بسیاری به جورج سوئینی رئیس سابق ای اف ال – سی ای او گرفته می‌شده این بوده است که چگونه کسی را که از مخالفان فعالیت کارگری در آمریکا بوده است به عنوان مشاور خود برگزیده و مهمتر، بیل فلیچر را به عنوان مسئول آموزش ای اف – سی ای او برگزیده است

<http://books.google.ca/books?id=dQ57OSWWrcYC&pg=PA261&lpg=PA261&dq=Barbara+shailor+AFL+CIO+bill+fletcher&source=bl&ots=d7Ihfmidzi&sig=dDCsR-XCnKByGIAb4T2msi8Kb04&hl=en&sa=X&ei=W9tUs32MueP2gWAo4CQCA&ved=0CD4Q6AEwAg#v=onepage&q=Barbara%20shailor%20AFL%20CIO%20bill%20fletcher&f=false>

بیل فلیچر یار صمیمی شیلر بنیانگذار کنگره رادیکال سیاهان و از بنیانگذاران حزب کمونیست مائویست آمریکا است. ایشان تا به امروز خود را مائویست می‌داند و در بسیاری مقالاتش به بحران اتحادیه ای در آمریکا می‌پردازد و آخرین کتابش که در سال 2009 چاپ شده است با عنوان همبستگی منشق شده – بحران در تشکلات کارگری و راه جدید برای عدالت اجتماعی است

Solidarity Divided: The Crisis in Organized Labor and a New Path
toward Social Justice

البته گرایش طرفدار اسرائیل همیشه در جنبش کارگری آمریکا وجود داشته و حتی توانسته نیروهای " ضد امپریالیست " را با خود همراه کند. نگاه کنید به مقاله شهناز نیکوروان در رابطه با لیبراستارت

http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2011/12/blog-post_22.html

⁸⁷ <http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2010/11/blog-post.html>

⁸⁸ <http://www.nrtw.org/rtws.htm>

⁸⁹ <http://www.nolo.com/legal-encyclopedia/free-books/employee-rights-book/chapter15-5.html>

⁹⁰ <http://www.aflcio.org/About/Exec-Council/Conventions/2013/Resolutions-and-Amendments/Resolution-5-A-Broad-Inclusive-and-Effective-Labor-Movement>

⁹¹ http://en.wikipedia.org/wiki/United_Food_and_Commercial_Workers

⁹² <http://www.labornotes.org/2013/07/hyatt-contract-offers-organizing-possibilities>

⁹³ <http://www.theguardian.com/commentisfree/2013/nov/11/fast-food-workers-strike-end-game>

⁹⁴ A Dream foreclosed- Laura Gottesdiener- Zuccotti Park Press

⁹⁵ http://en.wikipedia.org/wiki/Subprime_mortgage_crisis

⁹⁶ <http://occupywallst.org/article/our-dreams-are-foreclosed-whyiooccupy>